



کامبیز نوروزی

حقوق دان

در بین همه بحران‌های موجود، از بحران افزایش جرائم آسیب‌ها کمتر گفته می‌شود. نرخ تورم به شکل بی‌سابقه‌ای با سرعت در حال افزایش است، قدرت خرید مردم به شدت کاهش یافته است، قیمت مواد غذایی به اندازه‌ای بالا رفته که توان تامین خوراک کافی را از اقشار زیادی از مردم گرفته است، دارو کم و گران شده است و هزینه‌های درمان به اعداد غیرقابل تصور رسیده‌اند. به نظر نمی‌رسد این مشکلات به سرعت قابل حل باشند. ملاحظه فقط بازسازی صنایع فولادی و پتروشیمی‌ها که نقش مهمی در اقتصاد کشور دارند، به چند سال زمان نیاز دارد. ایجاد فرصت‌های شغلی جدید یا جلوگیری از افزایش تورم و اقدامات برای کاهش آن، کاری سخت و زمان‌بر است، احتمالاً ما باید فعلاً تصور باشیم و برای مدتی نه‌چندان کوتاه با همین بحران‌ها زندگی کنیم. اما قسمت مهمی از آثار بحران‌های فراگیر را نمی‌توان بر عهده زمان گذاشت و بر آنها چشم پوشید.

داده‌های علوم جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی کفایتی نشان می‌دهد این وضعیت، زمین بسیار حاصلخیزی است برای رشد علف‌های هرزی به نام جرم و آسیب‌های اجتماعی.

احتمال افزایش جرائم علیه اموال مانند سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت و جرائم علیه تمامیت جسمی مانند نزاع و قتل بسیار زیاد است. صرفاً اقدامات پلیسی و قضائی قادر به جلوگیری از افزایش این جرائم نیستند. کمابینه با وجود تشدید مجازات‌ها و اقدامات پلیسی از سال ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۲ آمار سرقت در کشور ۶۰۰ درصد افزایش داشته است، در طول همین دوره، جمعیت کشور ۲۱ درصد بیشتر شده است. به بیان دیگر رشد آمار انواع سرقت‌ها، نزدیک ۳۰ برابر رشد جمعیت بوده است. این میزان رشد رابطاتی معنی‌دار با نرخ تورم و بیکاری داشته است.

آمار طلاق نیز روند فزاینده خطرناکی را نشان می‌دهد. در سال ۱۳۹۷ نسبت طلاق به ازدواج ۲۶.۷ درصد بوده؛ یعنی در مقابل هر صد ازدواج، ۲۷ طلاق رخ داده است. در سال ۱۴۰۰ این نسبت به ۳۴.۸ درصد افزایش یافت و در ۱۴۰۴ به ۳۹ درصد رسید. در تهران نسبت طلاق به ازدواج ۵۲.۵ درصد شده است. به احتمال فراوان افزایش پایداری بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و عدم انسجام در برنامه‌های توسعه همه این آمارها را افزایش خواهد داد.

نکته بسیار مهم این است که بقای این بحران‌ها موجب تولید یک الگوی رفتاری مجرمانه یا آسیب‌زا در اقشار مختلف، گروه‌های اجتماعی مختلف و خصوصاً اقشار پایین‌دستی می‌شود که استمرار آن به نهدینه‌شدن رفتارهای مجرمانه و آسیب‌زا برای گذران زندگی روزمره منجر خواهد شد. به همین دلیل هر اندازه پیشگیری نظاممند از تولید زمینه‌ها و عوامل جرم‌زا به تأخیر بیفتد، رفتارهای مجرمانه و آسیب‌ها بیشتر، نهدینه‌تر و سازمان‌یافته‌تر می‌شوند. در این صورت، مقابله با آنها نیز بسیار سخت‌تر می‌شود.

توسعه جرم از موانع مهم برهم‌خوردن نظم اجتماعی و حقوقی است. برای پیشگیری از رشد و توسعه جرم‌رزی و آسیب‌رزی این وضعیت بحرانی نمی‌توان منتظر حل همه مشکلات بود، بلکه باید هرچه زودتر برنامه‌ها و اقدامات اورژانسی تدارک دیده شود تا بتوان به مهار و کاهش جرائم و آسیب‌ها پرداخت. برای این مهم حداقل چند اقدام فوری باید انجام شود:

- ۱- مبارزه با فساد سیاسی و اقتصادی در ساختار دولت و پیشگیری از سوءاستفاده از قدرت.
 - ۲- دعوت گسترده از جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، روان‌پزشکان، حقوق‌دانان و جرم‌شناسان مستقل برای تدوین سیاست‌های مناسب برای مقابله با جرائم و آسیب‌ها در شرایط بحرانی.
 - ۳- اصلاح گسترده صداوسیما به منظور ایجاد توان رسانه‌ای برای جلب اقبال و گروه‌های اجتماعی مختلف ملت برای ایجاد انسجام اجتماعی.
 - ۴- اختصاص بودجه خاص برای تامین نیازهای اقتصادی اقشار پایین‌دستی که بیشتر در معرض انتخاب رفتارهای مجرمانه ممکن است باشند. بارانه و کلایرک قادر به تامین این نیازها نیستند.
 - ۵- تقویت نیروی انتظامی و قضائی برای مقابله با جرم.
- غفلت و تأخیر برای تمهید راه‌های اورژانسی مقابله با جرم و آسیب‌های اجتماعی آقانی است که باغ را می‌خشکاند.

چهارشنبه ۲۰ خرداد ۱۴۰۵
۲۴ ذی‌الحجه ۱۴۴۷
۱۰ ژوئن ۲۰۲۴
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۴۰۵
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه



وزیر ارتباطات در نشست خبری در پاسخ به «شرق» درباره چرایی ادامه محدودیت دسترسی به اینترنت:

اینترنت به شرایط اول دی بازگشته است

۳

در «شرق» امروز می‌خوانید: پایان سفر «شی» به کره شمالی • بحران آب در ایران؛ هم‌زمانی فشار اقلیمی و ناترازی اقتصادی • آموزش حضوری ضرورت است

از آسمان سیاه تهران تا هزینه‌های پنهان کربن در گفت‌وگو با محمدرضا حیدری، استاد دانشگاه نورث‌وسترن

هزینه پنهان یک انفجار

گزارش تیتربیک را در صفحه ۷ بخوانید

زنان افغانستانی از انزوای خود به دلیل قوانین سخت‌گیرانه به «شرق» گزارش می‌دهند

وحشت در خیابان‌های هرات



این گزارش را در صفحه ۴ بخوانید. عکس: ای‌ان‌اس‌پی

یادداشت

نقدی بر تحلیل آمریکا از سیاست‌های امنیت غذایی چین



محمدحسین عمادی

عضو شورای تخصصی کمیته امنیت غذایی سازمان ملل (HLPE-FSN)

در سال‌های اخیر، هم‌زمان با تشدید رقابت راهبردی میان ایالات متحده آمریکا و چین، موضوع «امنیت غذایی» نیز به یکی از حوزه‌های جدید منازعه ژئوپلیتیکی میان دو قدرت تبدیل شده است. رسانه‌ها، اندیشکده‌ها و نهادهای سیاست‌گذاری اروپایی و آمریکایی به‌طور فزاینده‌ای سیاست‌های کشاورزی و ذخیره‌سازی غلات چین را نه صرفاً اقدامی در راستای تامین امنیت غذایی داخلی، بلکه با دیدگاه «امنیتی‌سازی»، بخشی از راهبرد کلان یکن برای افزایش نفوذ جهانی و حتی «استفاده از غذا به‌عنوان سلاح» توصیف می‌کنند. در این چارچوب، مقالات متعددی از سوی سیاست‌مداران، اندیشمندان و اندیشکده‌های غربی منتشر شده که همگی تلاش می‌کنند میان سیاست‌های تولیدی، وارداتی و ذخیره‌سازی چین با تهدید امنیت غذایی جهانی پیوند برقرار کنند. این گزارش‌ها و تحلیل‌ها با اشاره به افزایش واردات غلات از طرف چین، خرید زمین‌های کشاورزی در کشورهای مختلف، وابستگی بازار جهانی سویا به تقاضای چین و همچنین ذخیره‌سازی گسترده غلات، استدلال می‌کنند یکن در حال طراحی نوعی «جنگ غذایی» برای سلطه بر دیگر کشورهاست. این تحلیل‌ها همچنین با استناد به برخی گزارش‌های رسانه‌ای و تحلیل‌های امنیتی آمریکا، ادعا می‌کنند سیاست‌های غذایی چین موجب افزایش قیمت جهانی مواد غذایی و تضعیف امنیت غذایی دیگر کشورها شده است. هدف این مقاله تحلیلی، دفاع یا رد مطلق سیاست‌های چین نیست، بلکه ارائه نقدهای علمی بر نگرش حاکم بر دستگاه سیاست‌گذاری آمریکا در برابر سیاست‌های امنیتی چین، به‌ویژه در حوزه امنیت غذایی است. این مقاله می‌کوشد نشان دهد چگونه بخشی از تحلیل‌های آمریکایی، تحت تأثیر فضای رقابت ژئوپلیتیکی، امنیتی‌سازی اقتصاد جهانی و نگاه ایدئولوژیک به چین قرار گرفته و در نتیجه برخی رفتارهای عادی دولت‌ها در حوزه امنیت غذایی را به‌عنوان پروژه‌ای برای سلطه جهانی با مقابله با هم‌زمانی آمریکا تفسیر می‌کند.

مهم‌ترین ویژگی‌های تحلیل آمریکایی درباره سیاست غذایی چین، تبدیل یک مسئله اقتصادی و توسعه‌ای به تهدیدی امنیتی است. در ادبیات روابط بین‌الملل، این فرایند با مفهوم «امنیتی‌سازی» شناخته می‌شود؛ یعنی زمانی که یک موضوع عادی اقتصادی یا اجتماعی، در قالب تهدیدی علیه بقا و امنیت ملی بازتعریف می‌شود. واقعیت آن است که چین با جمعیتی بیش از یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون نفر، همواره دغدغه امنیت غذایی داشته است. تجربه تاریخی قحطی‌های دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، وابستگی شدید به واردات انرژی و نگرانی از تحریم‌های احتمالی غرب، موجب شده دولت چین ذخیره‌سازی گسترده غلات و تنوع‌بخشی به منابع واردات غذایی را بخشی از امنیت ملی خود تلقی کند. از این منظر، رفتار چین در حوزه غذا تا حد زیادی مشابه رفتار سایر قدرت‌های بزرگ است. ایالات متحده در طول قرن بیستم بارها از غذا به‌عنوان ابزار سیاست خارجی استفاده کرده است. واشینگتن در دوره جنگ سرد، صادرات غلات را علیه اتحاد جماهیر شوروی محدود کرد و در دهه‌های بعد نیز تحریم‌های گسترده غذایی علیه برخی کشورهای آسیای شرقی اعمال کرده است. همچنین آمریکا و اتحادیه اروپا سالانه میلیاردها دلار یارانه کشاورزی پرداخت می‌کنند تا امنیت غذایی و ثبات بازار داخلی را به نفع خود حفظ کنند. بنابراین ذخیره‌سازی غلات یا حمایت دولتی از کشاورزی، پدیده‌ای منحصر به چین نیست. با این حال، بخشی از تحلیل‌های آمریکایی تلاش می‌کند رفتارهای چین را نه در چارچوب مدیریت هوشمند و منطق دولت‌های مدرن، بلکه در قالب «پروژه سلطه کمونیستی» تفسیر

محرور نخست: امنیتی‌سازی سیاست غذایی چین در چارچوب رقابت ژئوپلیتیکی

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تحلیل آمریکایی درباره سیاست غذایی چین، تبدیل یک مسئله اقتصادی و توسعه‌ای به تهدیدی امنیتی است. در ادبیات روابط بین‌الملل، این فرایند با مفهوم «امنیتی‌سازی» شناخته می‌شود؛ یعنی زمانی که یک موضوع عادی اقتصادی یا اجتماعی، در قالب تهدیدی علیه بقا و امنیت ملی بازتعریف می‌شود. واقعیت آن است که چین با جمعیتی بیش از یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون نفر، همواره دغدغه امنیت غذایی داشته است. تجربه تاریخی قحطی‌های دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، وابستگی شدید به واردات انرژی و نگرانی از تحریم‌های احتمالی غرب، موجب شده دولت چین ذخیره‌سازی گسترده غلات و تنوع‌بخشی به منابع واردات غذایی را بخشی از امنیت ملی خود تلقی کند. از این منظر، رفتار چین در حوزه غذا تا حد زیادی مشابه رفتار سایر قدرت‌های بزرگ است. ایالات متحده در طول قرن بیستم بارها از غذا به‌عنوان ابزار سیاست خارجی استفاده کرده است. واشینگتن در دوره جنگ سرد، صادرات غلات را علیه اتحاد جماهیر شوروی محدود کرد و در دهه‌های بعد نیز تحریم‌های گسترده غذایی علیه برخی کشورهای آسیای شرقی اعمال کرده است. همچنین آمریکا و اتحادیه اروپا سالانه میلیاردها دلار یارانه کشاورزی پرداخت می‌کنند تا امنیت غذایی و ثبات بازار داخلی را به نفع خود حفظ کنند. بنابراین ذخیره‌سازی غلات یا حمایت دولتی از کشاورزی، پدیده‌ای منحصر به چین نیست. با این حال، بخشی از تحلیل‌های آمریکایی تلاش می‌کند رفتارهای چین را نه در چارچوب مدیریت هوشمند و منطق دولت‌های مدرن، بلکه در قالب «پروژه سلطه کمونیستی» تفسیر

از جمله ایران بودند. هدف از تحریم‌ها هم به‌طور واضح افزایش سطح نارضایتی مردم و شورش علیه دولت‌های هدف است.

۶- قطع کمک‌های آمریکا به سازمان‌های بشردوستانه و کمک‌های غذایی مانند WFP در یک سال اخیر باعث خلل در تامین غذای ۱.۵ میلیون نفر شده که در صورت ادامه تا ۱۵ میلیون نفر گسترش خواهد یافت. بنابراین تمرکز انحصاری بر چین و سیاست‌های غذایی این کشور تصویری ناقص و غیرمتوازن از بحران غذایی جهان ارائه می‌دهد. در مورد ذخیره‌سازی غلات نیز باید توجه داشت نگهداری ذخایر استراتژیک الزامی اقدامی تهاجمی نیست و بیشتر یک سیاست پیشگیرانه دفاعی در امنیت غذایی شناخته می‌شود. پس از بحران کرونا، جنگ اوکراین و جنگ ایران بسیاری از کشورها به این نتیجه رسیدند که وابستگی کامل به بازار جهانی می‌تواند خطرناک باشد. حتی کشورهای غربی نیز اکنون به دنبال تقویت ذخایر راهبردی خود هستند. در چنین شرایطی، سیاست ذخیره‌سازی چین را باید در چارچوب نااطمینانی‌های اقتصاد جهانی تحلیل کرد. نه صرفاً به‌عنوان پروژه‌ای برای استفاده ابزاری از غذا و «گرسنگی دادن به جهان». از سوی دیگر، برخی تحلیل‌های آمریکایی این واقعیت را نادیده می‌گیرند که چین خود یکی از آسیب‌پذیرترین کشورهای جهان در حوزه غذاست. محدودیت منابع آب، کاهش زمین‌های کشاورزی، شهرنشینی گسترده و وابستگی شدید به واردات خوراک دام، باعث شده چین نتواند به خودکفایی کامل غذایی دست یابد. کشوری که چنین سطحی از وابستگی وارداتی دارد، به‌سختی می‌تواند از غذا به‌عنوان ابزار سلطه پایدار جهانی استفاده کند؛ زیرا هرگونه اختلال در تجارت جهانی، خود چین را نیز به‌شدت آسیب‌پذیر می‌کند.

محرور دوم: اغراق درباره نقش و سهم چین در بحران جهانی غذا

محرور دوم نقد، به نحوه تبیین بحران جهانی غذا بازمی‌گردد. گزارش‌های مورد بحث، افزایش قیمت جهانی مواد غذایی را تا حد زیادی ناشی از رفتار چین می‌دانند. در حالی است که بحران غذایی کنونی جهان محصول مجموعه‌ای از عوامل پیچیده، ساختاری و چندلایه‌ای است که دولت آمریکا نقش محوری در ایجاد آن دارد.

۱- نخستین عامل، جنگ و منازعات بین‌المللی است؛ حمله و تجاوز آمریکا به ایران و جنگ روسیه و اوکراین فقط بخشی از این منازعات است که صادرات غلات، کود شیمیایی و انرژی را در جهان مختل کرده است. روسیه و اوکراین از بزرگ‌ترین صادرکنندگان گندم و ذرت جهان محسوب می‌شوند و جنگ میان آنها و مسدودشدن تنگه هرمز بر اثر حمله آمریکا به ایران تأثیر مستقیمی بر زنجیره تامین و قیمت جهانی غذا داشت.

۲- دومین عامل، تغییرات اقلیمی و خشک‌سالی‌های گسترده در مناطق مختلف جهان است که تولید محصولات کشاورزی را کاهش داده است. براساس گزارش‌ها و مستندات بین‌المللی، ایالات متحده و دیگر کشورهای صنعتی غلات اصلی را در پدیده گرمایش زمین و تغییرات اقلیمی بازی می‌کنند.

۳- سومین عامل، برقراری تعرفه‌های واردات مواد غذایی و تغییرات روزمره آن از سوی آمریکا است که موجب بی‌ثباتی جدی و اختلال در زنجیره تامین و زنجیره ارزش مواد غذایی می‌شود. جنگ تعرفه‌ها در واقع عامل اصلی بی‌ثباتی بازار، افزایش ریسک و قیمت مواد غذایی در یک سال گذشته بوده است.

۴- علاوه بر این، سیاست‌های حمایتی از کشاورزان باعث اختلال در بازار جهانی مواد غذایی شده و شدت و محدودیت‌های اعمال‌شده صادراتی بسیاری از محصولات کشاورزی آمریکا در بحران غذایی کنونی نقش مؤثری داشته است.

۵- تحریم‌های بین‌المللی که آمریکا نقش اصلی در آن داشته نیز از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر ناامنی غذایی و افزایش شمار گرسنگان جهان است. مجله معتبر لنست نشان می‌دهد از سال ۱۹۷۱ تا ۲۰۲۱ تحریم‌های یک‌جانبه غرب عامل مرگومیر ۳۸ میلیون انسان در کشورهای تحریم‌شده

بقا و «راهبرد سلطه» نیازمند تحلیل دقیق و مبتنی بر شواهد است. رقابت راهبردی آمریکا و چین در همه زمینه‌ها در حال گسترش است و به‌تدریج حوزه غذا و کشاورزی را نیز در بر گرفته است.

برگزیده‌ها



واکوی ابعاد نظامی، دفاعی و امنیتی جنگ ۱۲ روزه در آستانه نخستین سالگرد آن در گفت‌وگو با حسین علایی

داستان جنگی که ادامه دارد

ستاد بزرگداشت عروج رهبر شهید اعلام کرد
برگزاری مراسم وداع
تشییع و تدفین بعد از
دهه اول محرم

گزارش «شرق» از رکود کم‌سابقه در بازار صنایع دستی پس از جنگ و اختلال در مسیرهای صادراتی

گره‌گور بر دار معیشت

جام ۲۰۲۴

کران‌ترین مربیان جام جهانی ۲۰۲۴
نبرد میلیون دلاری‌ها
روی نیمکت‌ها

یادداشت

مبارزه همراه با مذاکره؟
مسئله این است



محسن هاشمی رفسنجانی

حدود صد روز از شروع جنگ رمضان می‌گذرد. خوشبختانه حس پیروزی ایران بر مردم و جهان حکمفرماست. ولی جامعه از جنگ و صلح، امنیت و ناامنی، فقر و رفاه، نگران است و در این شرایط برخی از کسانی که رسانه ملی و تریبون‌های رسمی و خیابان را در اختیار دارند، بیشتر بر طبل مبارزه بدون مذاکره می‌کوبند و مذاکره را خیانت و ادامه معرفی می‌کنند. البته از ابتدای انقلاب تاکنون بارها و بارها شاهد بروز چنین صدا و تفکری در کشور بوده‌ایم و شاید بتوان جریان فعلی را پنجمین نسل از مدعیان مبارزه و مخالفان مذاکره نامید. نسل نخست این گروه، دانشجویان معروف به خط امام بودند که مذاکره دولت مهندس بازرگان را خیانت تلقی می‌کردند و با تسخیر سفارت آمریکا، سقوط و استعفای دولت موقت را فراهم کردند. طیفی از همین‌ها مذاکره با صدام بعد از قبول قطع‌نامه ۵۹۸ را نیز نمی‌پسندیدند و جالب‌تر اینکه در دولت نخست سازندگی هم بخشی از این طیف خواستار ائتلاف با صدام در حمله به کویت و در شرایطی که خود در دولت مستقر شدند، خواهان مذاکره و رابطه با آمریکا شدند.

نسل دوم، جریان آقای احمدی‌نژاد بود که قبل از به قدرت رسیدن و حتی در سال‌های نخست دولت، با مخالفت با مذاکره و ادامه تنش با آمریکا و غرب، پرونده هسته‌ای بالاخره از شورای حکام به شورای امنیت رفت و قطع‌نامه‌های شورای امنیت کاغذیاره خوانده شد. اما در دولت دوم، زمانی که تحریم‌ها اثر خود را در اقتصاد نشان داد، خواستار مذاکره و توافق با غرب شدند و حتی با امضای توافق تهران با میانجیگری برزیل و ترکیه و ادامه در انتقال اورانیوم غنی‌شده به خارج از کشور موافقت کردند.

اخبار

ستاد بزرگ‌داشت عروج رهبر شهید اعلام کرد برگزاری مراسم وداع تشییع‌وندفین بعداز دهه‌اول محرم

ستاد بزرگ‌داشت عروج رهبر شهید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (ره) در اطلاعیه شماره ۲ خود اعلام کرد: مراسم وداع تشییع و تدفین آن یگانه دوران بعد از دهه اول محرم و هماهنگی‌های نهایی دستگاه‌های مسئول و گروه‌های مردمی برای خدمت‌رسانی شایسته به مردم عزیز عزادار برگزار خواهد شد.

به گزارش ایسنا، متن این اطلاعیه به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

با توجه به برنامه‌ریزی‌های گسترده انجام‌شده برای برگزاری باشکوه مراسم وداع تشییع و تدفین امام مجاهد شهید حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای قدس‌الله نفسه الزکیه و شهدای خانواده رهبر انقلاب اسلامی، به اطلاع می‌رساند گمانه‌زنی‌ها و شایعات منتشرشده در فضای رسانه‌ای داخل و خارج کشور درخصوص زمان و جزئیات مراسم مذکور که موجب ابهام بسیاری از علاقه‌مندان به حضور در این رویداد عظیم شده، فاقد اعتبار است. با عنایت به سیره رهبر شهید انقلاب اسلامی اعلی‌الله مقامه الشریف در اقامه عزای سید و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام و اهمیت برپایی عزاداری‌های این ایام در اقصی نقاط ایران و جهان، مراسم وداع، تشییع و تدفین آن یگانه دوران بعد از دهه اول محرم و هماهنگی‌های نهایی دستگاه‌های مسئول و گروه‌های مردمی برای خدمت‌رسانی شایسته به مردم عزیز عزادار برگزار خواهد شد. جزئیات این مراسم متعاقبا در فاصله زمانی مناسب توسط این ستاد اعلام خواهد شد.

سخنگوی دولت پاسخ داد

آبادرتابستان باقطع برق مواجه خواهیم شد؟

سخنگوی دولت با بیان اینکه ساختار بودجه براساس برنامه‌های توسعه‌ای از پیش تعیین‌شده طراحی و تنظیم خواهد شد، یادآور شد: دولت از ابتدای کار با توجه به پیش‌بینی‌های صورت‌گرفته، برنامه مقاومت‌سازی اقتصادی را به هیئت وزیران ارائه کرد و چنانچه با توجه به شرایط جنگی نیاز به انجام اصلاحاتی در بودجه باشد، حتما این اقدام صورت خواهد گرفت. مهاجرانی در ادامه درباره تبادل آتش اخیر بین ایران و رژیم اسرائیل که در عملیات نصر صورت گرفت، اظهار کرد: ایران و لبنان نیابتی یکدیگر نیستند ولی دشمن مشترکی دارد. دشمن با ما دشمنی تمدنی دارد. دشمنی که هم نابودی لبنان را می‌خواهد و هم تجزیه، تضعیف و بی‌هویتی ایران را در سر می‌پروراند. هم مسیر دیپلماسی و هم مسیر بهره‌گیری از قدرت دفاعی، به‌طور کامل برای احقاق حقوق مردم ایران به کار گرفته خواهد شد و در این مسیر از هیچ ابزاری فروگذار نخواهیم کرد. وی با بیان اینکه مسیر دیپلماسی و قدرت دفاعی در خدمت استیفای حقوق مردم است و در این مسیر خواهد ماند، ادامه داد: ما تمام توان خود را برای این به کار می‌گیریم. تیم دیپلماسی آگاه به میدان هستند، ازجمله آقای قالیباف که فرمانده جنگ اخیر بوده و آقای عراقچی که از رمزندگان جنگ است. از این‌رو، هیئت مذاکره‌کننده، هم میدان را به‌خوبی می‌شناسد و هم با دیپلماسی آشناست. برای تیم دیپلماسی آرزوی توفیق و برای کسانی که با قدرت پای لانچر می‌روند قدرت ایران را به دنیا نشان می‌دهند، آرزوی سلامت داریم. سخنگوی دولت همچنین در پاسخ به پرسشی درباره اقدامات دولت برای رسیدگی به وضعیت آسیب‌دیدگان جنگ اخیر اظهار کرد: اقامت خارج از منزل، در هتل یا در منزل دیگران، برای کسانی که خانه‌هایشان را از دست داده‌اند، بسیار دشوار است. این موضوع به‌صورت جدی در حال پیگیری است و با توجه به واگذاری وظایف مربوطه و تأمین بودجه صورت‌گرفته، مطالبات این عزیزان را پیگیری می‌کنیم و امیدواریم هرچه زودتر مسائل آنان را مرتفع کنیم. مهاجرانی در پاسخ به پرسشی درباره موضوع تأمین پایدار برق، به‌ویژه در فصل تابستان، با توجه به کاهش انرژی‌های تجدیدپذیر، تصریح کرد: پیش‌بینی قطع‌سازی ساعات سهمیه‌بندی خاموشی برای منازل، هم‌اکنون میسر نیست. این میزان به عوامل متعددی ازجمله شدت گرمای هوا، میزان همراهی و همکاری مشترکان در مدیریت مصرف و میزان موفقیت در اجرای برنامه‌های توسعه ظرفیت نیروگاهی و تعمیرات اساسی بستگی دارد. وی تأکید کرد: کاهش ۱۰ درصدی مصرف مشترکان می‌تواند وضعیت بسیار بهتری در تأمین برق ایجاد کند. تقسیم و برنامه‌ریزی فشار ناشی از این ناترازی بین بخش‌های مختلف، ازجمله خانگی و تولیدی، براساس یک رویکرد چندوجهی صورت می‌گیرد که شامل اقدامات در دو حوزه اصلی تولید و توسعه ظرفیت نیروگاهی است. وزارت نیرو به‌عنوان متولی اصلی با تمام توان در تلاش است با همراهی مردم و تلاش شبانه‌روزی کارکنان خود، شاهد حداقل خاموشی‌ها باشیم. امید است با همکاری همگانی، این چالش فصلی را با موفقیت پشت سر بگذاریم. مهاجرانی در پاسخ به پرسشی درباره افزایش مبلغ کالابرگ، تصریح کرد: دولت به‌شدت علاقه‌مند است به اینکه کالابرگ را افزایش دهد، اما وقتی ما برای یک طرح منبع پایدار پیدا نکرده‌ایم، انجام طرح به تزلزل آن منجر می‌شود. سخنگوی دولت ادامه داد: ما در راستای مهار تورم به‌صورت بنیادین که همان کاهش وابستگی و استقرار از بانک مرکزی است و نیز اصلاح ترازنامه بانک‌ها در حال تلاش هستیم. در زمینه مدیریت هوشمند پارانه‌ها نیز تلاش می‌کنیم که این امر برای اقشار آسیب‌پذیر به هدف برسد. پارانه‌ها باید به کسانی اختصاص یابد که در مبالغ در معیشت و زندگی آنان نقش‌آفرین باشد. بااین‌حال، با توجه به موضوعات متعدد و دستورات صادرشده از سوی رئیس‌جمهوری، بحث درباره شش دکل اول باید به‌صورت ویژه بررسی شود. مهاجرانی تصریح کرد: دولت در راستای حمایت هدفمند از دهک‌های آسیب‌پذیر، کار را دنبال می‌کند و دستور رئیس‌جمهوری پیداکردن منبع پایدار برای افزایش رقم کالابرگ است. وی با اشاره به اینکه حذف پارانه برخی دهک‌ها با «مدیریت هوشمندانه» آنها پیوند دارد، تأکید کرد: در این زمینه دو ابزار یا سازوکار برای شناسایی وجود دارد: نخست، سامانه رفاه ایرانیان و دوم، طراحی «یورفایل اقتصادی» که در حال انجام است. هدف اصلی دولت این است که رقم پارانه به دست کسانی برسد که در معیشت و زندگی آنان نقش معناداری داشته باشد و پد‌رستی توزیع شود.



علی‌بیگ

در آمستردام

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

عبدالرحمن فتح‌اللهی: در آستانه نخستین سالگرد جنگ ۱۲روزه، بازخوانی آن رویدایی دیگر صرفاً رجوع به یک رخداد تاریخی نیست، بلکه تلاشی برای فهم وضعیتی است که ایران و منطقه همچنان در دل آن به سر می‌برند. اگرچه جنگ ۱۲روزه در ظاهر با آتش‌بس سوم تیر ۱۴۰۴ پایان یافت، اما تحولات ماه‌های بعد نشان داد که آن درگیری نه نقطه پایان یک بحران، بلکه نقطه آغاز دوره‌ای تازه از بی‌ثباتی و تنش تحمیلی به ایران بود؛ دوره‌ای که با وقوع جنگ ۴۰روزه در نهم اسفند ۱۴۰۴ وارد مرحله‌ای جدید شد و روشن کرد که آتش‌بس پس از جنگ نخصت (۱۲روزه)، بیش از آنکه به صلحی پایدار منجر شود، به وقفه‌ای موقت میان دو دور از رویدادهایی از تابستان تا زمستان سال گذشته شباهت داشت و این وضعیت جنگی کامکان با ورود به سال جدید هم ادامه دارد. از این منظر، فضای کنونی را باید نه شرایط بساجنگ، بلکه وضعیتی میان جنگ و صلح توصیف کرد؛ وضعیتی که در آن، آتش‌بس همچنان شکننده است و سایه درگیری بر معادلات امنیتی منطقه سنگینی می‌کند. در چنین بستری، یکی از مهم‌ترین ابعاد جنگ ۱۲روزه به حوزه نظامی، امنیتی و اطلاعاتی بازمی‌گردد؛ حوزه‌ای که هنوز هم محل مناقشه و پرسش‌های جدی است؛ اینکه آیا ایران در آغاز آن جنگ با غافلگیری اطلاعاتی و عملیاتی مواجه شد؟ آیا برآوردهای امنیتی موجود توان پیش‌بینی ابعاد و زمان بندی حملات را داشتند؟ و مهم‌تر از همه، تجربه آن جنگ چه تصویری از نقاط قوت و ضعف ساختارهای اطلاعاتی، پدافندی و بازارندگی کشور ارائه می‌دهد؟ در عین حال، یک پرسش نظری و راهبردی نیز مطرح است: آیا جنگ ۱۲روزه را می‌توان در چارچوب کلاسیک مفهوم «جنگ» تحلیل کرد یا با الگویی متفاوت از نبرد مواجه‌بودیم؟ رویدادهایی که در آن عملیات نظامی، جنگ اطلاعاتی، حملات سایبری، ترورهای هدفمند، عملیات روانی و فشارهای دیپلماتیک به‌صورت هم‌زمان به کار گرفته شدند و مرز میان میدان نبرد و عرصه سیاست را تا حد زیادی از میان بردند، پاسخ به این پرسش‌ها، در واقع واکاوی ریشه‌های وضعیتی است که یک سال بعد همچنان بر امنیت ایران و منطقه سایه افکنده است. از این‌رو، برای دستیابی به درکی دقیق‌تر از ابعاد نظامی، امنیتی و اطلاعاتی جنگ ۱۲روزه و یافتن جواب‌هایی روشن‌تر برای این سوالات و دیگر ابهامات مرتبط با آن، به سراغ دکتر حسین علی‌بی‌رفته‌ایم؛ از فرماندهان باسابقه دفاع مقدس و نخستین فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که سال‌ها در حوزه‌های راهبردی، نظامی و امنیتی به مطالعه و تحلیل مسائل دفاعی کشور پرداخته است. در این گفت‌وگو تلاش کرده‌ایم با بهره‌گیری از نگاه تحلیلی و تجربه میدانی او، رخدادهای جنگ ۱۲روزه به‌عنوان دومین جنگ تحمیلی بر ایران، نحوه آغاز آن، ابعاد اطلاعاتی و عملیاتی درگیری، کیفیت بازارندگی طرفین و پیامدهای راهبردی آن برای ایران و منطقه را زیر ذره‌بین قرار دهیم. حاصل این گپ‌وگفت، روایتی تحلیلی از یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین رخدادهای امنیتی پس از انقلاب است که در ادامه از نظر می‌گذرانید.

-
-
-

جناب علی‌بی، بدون تردید واکاوی ابعاد و زوایای مختلف جنگ ۱۲روزه مستلزم بررسی پیوستار رخدادهای پیش و پس از آن است و نمی‌توان این جنگ را به‌صورت منفک تحلیل کرد. بااین حال، در مقام نخستین سؤال باید پرسید که آیا جمهوری اسلامی ایران از منظر نظامی، اطلاعاتی و امنیتی در جنگ ۱۲روزه دچار «غافلگیری» شد؟ این سؤال از آن جهت اهمیت دارد که مقامات ایرانی بارها تأکید کرده‌اند حمله در شرایطی صورت گرفت که تهران خود را در آستانه دور ششم مذاکرات با واشینگتن می‌دید.

گرچه ترامپ قبل از جنگ به‌طور مرتب ایران را تهدید به بمباران می‌کرد، ولی می‌توان گفت انجام پنج دور مذاکره آمریکا با ایران و تعیین زمان مذاکره دور ششم، موجب یک نوع خوش‌بینی در محافل سیاسی مبنی بر فاصله‌گرفتن از جنگ شده بود. اما در هر صورت می‌توان گفت که از نظر عملی، ایران در جنگ ۱۲روزه دچار غافلگیری شد و وزارت امور خارجه از احتمال آغاز جنگ هیچ‌گونه ابراز نگرانی نکرد. از طرفی بسیاری از فرماندهانی که در اولین لحظات حمله اسرائیل به ایران تورر شدند، در پناهگاه‌ها و سنگرهای امن به سر نمی‌بردند که بیانگر عدم تصور از شروع جنگ فوری و آن هم در حمله به مراکز غیرنظامی بوده است. باید توجه داشت که شروع حمله اسرائیل به ایران در بمباد روز جمعه ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ با بمباران و پرتاب موشک به اماکن مسکونی و خانه‌های تعدادی از فرماندهان ارزشمند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی صورت گرفت؛



علی‌بیگ

در آمستردام

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

در ژانویه ۲۰۲۳

اسرائیل و آمریکا همواره علیه ایران متحد و هماهنگ بوده‌اند. اسرائیل هیچ جنگی را بدون هماهنگی و اخذ مجوز از آمریکا شروع نکرده است. ترامپ و نتانیاهو معمولاً با هم در حوزه‌های سیاسی، تبلیغاتی، اطلاعاتی، عملیاتی و نظامی تقسیم‌کار می‌کنند. معمولاً آمریکا غیر از نشان‌دادن چهره خشن نظامی خود، سعی می‌کند با بهره‌گیری از دیپلماسی، چهره مناسبی از خویش را در افکار عمومی نشان دهد. در حالی که چهره جنگ‌طلبی و جنایتکاری اسرائیل همیشه نمایان‌تر است. پیش از جنگ ۱۲روزه نیز آمریکا سعی کرد با انجام چند دور مذاکره، امید به حل مسائل آمریکا با ایران از طریق دیپلماسی را افزایش دهد. این در حالی بود که اسرائیل و آمریکا هم‌زمان خود را برای جنگ با ایران آماده می‌کردند. اطلاعاتی هم که در جریان جنگ ۱۲روزه و بعد از آن از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی منتشر شد، بیانگر طراحی آمریکا و اسرائیل جهت استفاده از مذاکرات به‌عنوان یک عملیات فریب راهبردی بوده است.

❌ در پروتو آنچه در جنگ ۱۲روزه رخ داد، این پرسش بیش از پیش برجسته شده است که ایالات متحده برخلاف جنگ ۴۰روزه، در مراحل اولیه وارد یک رویارویی مستقیم نشد و عمدتاً در قالب پشتیبانی پدافندی و سپس اجرای عملیات «چکش نیمه‌شب» ابفای نقش کرد. این تفاوت سطح مداخله را چگونه باید تحلیل کرد و چه عواملی در تعیین این الگوی رفتار نظامی آمریکا در قبال ایران مؤثر بودند؟

تصور آمریکا بر این بود که قدرت و توان نظامی اسرائیل برای تهاجم و جنگ با ایران کافی است و نیازی به مداخله مستقیم ارتش آمریکا در جنگ با ایران وجود ندارد. البته آمریکا در ختنی‌سازی واکنش موشکی و پهپادی ایران علیه اسرائیل نقش اول را بازی می‌کرد و تمامی توان پدافندی آمریکا در اختیار اسرائیل بود. حتی فرماندهی پدافند از اسرائیل بر عهده سنتکام قرار داشت. اما پس از گذشت ۱۰ روز از جنگ، مشخص شد اسرائیل در تحقق اهداف خود ناکام مانده است، هم نظام جمهوری اسلامی بریاست، هم توان نظامی ایران قدرت پاسخ‌گویی به حملات اسرائیل را دارد، هم اسرائیل و آمریکا نمی‌توانند جلوی اصابت تمامی موشک‌های ایران به سرزمین‌های اشغالی را بگیرند، هم بسیاری از تأسیسات هسته‌ای زیرزمینی ایران آسیب ندیده‌اند، هم اسرائیل از مزدورانی که چشم به حضور آنها در خیابان‌ها داشت، ناامید نشده بود و هم کشتار در زندان اوین آبرویی برای اسرائیل باقی نگذاشته بود. از طرفی بسیاری از مردم جهان از حجم جنایات اسرائیل در ایران وحشت‌زده شده بودند. بنابراین آمریکا به این نتیجه رسید که با بهره‌گیری از بمب‌افکن B2، سنسگین‌ترین حملات تاریخی را به تأسیسات هسته‌ای فردو و نظنز انجام دهد تا بتواند هدف جنگ را به انهدام تأسیسات هسته‌ای ایران تقلیل دهد و به دنبال نیل به اهدافش از طریق آتش‌بس و میز مذاکرات باشد.

❌ اگر جنگ ۴۰روزه را نیز در چارچوب این بحث مدنظر و ملاک قرار دهیم، از منظر علم و نظریه‌های نظامی، آیا اساساً جنگ ۱۲روزه را باید یک «جنگ» تلقی کرد یا آن‌گونه که برخی نظران و کارشناسان معتقدند، این رخداد بیشتر در قالب یک معنای کلاسیک «یک جنگ عملیاتی» تعریف می‌شود که هدف اصلی آن حذف طیفی مشخص از فرماندهان، تصمیم‌گیران و ظرفیت‌های نظامی کشور، انهدام مراکز موشکی، هسته‌ای و سامانه‌های پدافندی ایران و همچنین شناسایی مناطق نظامی و هسته‌ای بود؟

وزیر ارتباطات در نشست خبری

در پاسخ به «شرق» درباره چرایی ادامه محدودیت دسترسی به اینترنت:

اینترنت به شرایط اول دی بازگشته است

ستار هاشمی بعد از دو سال در اولین نشست خبری خود اعلام کرد

یکی از نگرانی‌های مردم این است که اینترنت تا چه زمانی متصل است. او می‌گوید تلاش می‌کنند از طریق ستاد ساماندهی فضای مجازی، قطعی اینترنت را شفاف و زمان دار کنند

شرق: سه ماه از اعمال گسترده‌ترین قطعی و محدودیت‌های اینترنتی می‌گذرد؛ محدودیت‌هایی که نه‌فقط زندگی روزمره کاربران، بلکه فعالیت کسب‌وکارها، استارت‌آپ‌ها، فعالان اقتصاد دیجیتال و حتی زیرساخت‌های ارتباطی کشور را تحت تأثیر قرار داد. پس از ماه‌ها انتقاد از تداوم این وضعیت، سرانجام ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی در اردیبهشت‌ماه تشکیل شد؛ ستادی که با هدف پایان‌دادن به چندصدایی در تصمیم‌گیری‌های حوزه اینترنت شکل گرفت و در نخستین خروجی خود، بازگشت اینترنت به وضعیت پیش از ۱۸ دی‌ماه را تصویب کرد. مصوبه‌ای که شامگاه چهارم خرداد با تأیید و ابلاغ مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری، وارد فاز اجرا شد.

اما با گذشت حدود دو هفته از ابلاغ این مصوبه، هنوز بسیاری از کاربران، فعالان بخش خصوصی و کارشناسان معتقدند اینترنت به شرایط وعده داده‌شده بازنگشته است. محدودیت برخی پروتکل‌های ارتباطی همچنان پابرجاست، همه دیتاسنترها به اینترنت متصل نشده‌اند، برخی سرویس‌ها همچنان با اختلال مواجه‌اند و داده‌های بین‌المللی نیز تصویری متفاوت از روایت رسمی «اتصال اینترنت» ارائه می‌کنند.

در چنین شرایطی، نخستین نشست خبری ستار هاشمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، پس از نزدیک به دو سال برگزار شد؛ نشستی که عملاً به جلسه‌ای درباره اینترنت، محدودیت‌ها، آینده حکمرانی فضای مجازی و هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی قطع ارتباطات تبدیل شد.

مهم‌ترین بخش این نشست اما پاسخ وزیر به پرسش «شرق» بود؛ جایی‌که او برای نخستین‌بار با صراحت از پیامدهای سیاست‌های محدودکننده سخن گفت و آماری ارائه کرد که شاید مهم‌ترین اعتراف رسمی دولت درباره نتیجه محدودسازی‌های ماه‌های اخیر باشد. هاشمی در پاسخ به «شرق» اعلام کرد در‌سخت پیش از بازگشایی اینترنت، حجم ترافیکی که از مسیر استارلینک و مسیرهای مرزی از کشور خارج می‌شد، تقریباً با ترافیک رسمی اینترنت کشور برابری می‌کرد. او این وضعیت را «فاجعه» و «تهدیدی برای نظام حکمرانی» توصیف کرد.

هم‌زمان بهزاد اکبری، معاون وزیر ارتباطات و مدیرعامل شرکت



عکس از نشست خبری ستار هاشمی

بر اساس این داده‌ها، حجم ترافیک اینترنت کشور همچنان به سطح بیش از محدودیت‌ها بازنگشته است. برخی پروتکل‌های مهم از جمله IPv6 و HTTP/3 محدود هستند. تعدادی از دیتاسنترها هنوز به شکل کامل به اینترنت متصل نشده‌اند و برخی فعالان حوزه فناوری نیز از مسدودشدن تصادفی IP‌های داخلی با هدف مقابله با فیلترشکن‌ها خبر می‌دهند.

هاشمی در پاسخ به این انتقادها تلاش کرد تصویری فراتر از بحث فنی ارائه کند. او به «شرق» گفت مسئله اینترنت امروز صرفاً یک مسئله ارتباطی نیست، بلکه به اقتصاد، نوآوری، توسعه و حتی امنیت ملی گره خورده است. وزیر ارتباطات تأکید کرد: «اگر اقتصاد دیجیتال برای کشور مهم است، نمی‌توان با خودتحریمی خودمان را از جریان جهانی جدا کنیم». این جمله را شاید بتوان مهم‌ترین موضع‌گیری وزیر از اتباطات دولت چهاردهم درباره سیاست‌های محدودسازی اینترنت دانست؛ موضعی که فاصله محسوسی با روایت سال‌های گذشته دارد.

اما بخش جالب‌تر پاسخ وزیر، جایی بود که از رشد استفاده از اینترنت ماهواره‌ای سخن گفت. سال‌هاست مسئولان مختلف درباره استارلینک هشدار می‌دهند اما کمتر مقام مسئولی به شکل رسمی درباره ابعاد واقعی استفاده از آن در ایران صحبت کرده است. هاشمی اما در نشست خبری خود اعلام کرد درست پیش از بازگشایی اینترنت، حجم ترافیک خارج‌شده از کشور از طریق استارلینک و مسیرهای مرزی تقریباً با ترافیک رسمی اینترنت کشور برابری می‌کرد. این اظهارات در واقع تأیید همان نگرانی‌ای است که بسیاری از کارشناسان طی سال‌های اخیر مطرح کرده‌اند؛ اینکه محدودسازی‌های گسترده نه‌تنها استفاده از اینترنت را متوقف نمی‌کند، بلکه کاربران را به سمت مسیرهایی هدایت می‌کند که اساساً خارج از کنترل ساختار رسمی ارتباطی کشور قرار دارند.

وزیر ارتباطات نیز با اشاره به همین موضوع گفت تجربه ماه‌های گذشته نشان داده نمی‌توان صرفاً با ابزارهای فنی و مسدودسازی به حکمرانی مطلوب رسید و طولانی‌شدن محدودیت‌ها در مواردی نتیجه‌ای معکوس به همراه داشته است.

اینترنت برای نوآوری مثل اکسیژن است
شاید مهم‌ترین جمله وزیر ارتباطات در این نشست همان عبارتی بود که در پاسخ به پرسش «شرق» مطرح کرد؛ اینکه وزارت ارتباطات حتی به بازگشت به شرایط پیش از دی‌ماه نیز رضایت ندارد.

هاشمی گفت: «اینترنت برای رشد و نوآوری مثل اکسیژن است». این جمله در شرایطی مطرح می‌شود که بخش بزرگی از زیست‌بوم فناوری کشور معتقد است عقب‌ماندگی ایران در اقتصاد دیجیتال، هوش مصنوعی و فناوری‌های نوظهور تا حد زیادی به محدودیت‌های ارتباطی گره خورده است.

خود وزیر نیز در بخش دیگری از نشست با اشاره به رقابت جهانی در حوزه هوش مصنوعی گفت در حالی که دنیا با سرعتی بی‌سابقه در حال حرکت است، ما هنوز درباره این صحبت می‌کنیم که اینترنت وصل هست یا نیست.

در سوی دیگر ماجرا، بهزاد اکبری، معاون وزیر ارتباطات و رئیس شرکت ارتباطات زیرساخت تلاش کرد تصویری فنی‌تر از وضعیت فعلی ارائه دهد.

او ضمن رد برخی آمارها درباره بازگشت فقط ۶۰ درصد ترافیک اینترنت که «شرق» آن را در جلسه اعلام کرد، گفت وضعیت فعلی باید با ابتدای دی‌ماه مقایسه شود نه با ۱۸ دی‌ماه؛ زیرا حتی پیش از آن تاریخ نیز محدودیت‌هایی وجود داشته است. به گفته اکبری، اکنون حدود ۷۸ درصد ترافیک ابتدای دی‌ماه به شبکه بازگشته و روند رشد همچنان ادامه دارد. او البته وجود برخی محدودیت‌ها را نیز تأیید کرد؛ از جمله محدودیت‌های مرتبط با IPv6، برخی پروتکل‌های ارتباطی و اتصال کامل همه دیتاسنترها. این اعتراف در عمل نشان می‌دهد اجرای مصوبه بازگشت اینترنت هنوز به پایان نرسیده و بخشی از محدودیت‌ها همچنان پابرجاست.

بخش دیگری از صحبت‌های اکبری به موضوعی اختصاص داشت که کمتر در بحث‌های عمومی مورد توجه قرار می‌گیرد: تحریم‌ها. معاون وزیر ارتباطات اعلام کرد حدود ۳۰ درصد از ۱۰۰ هزار دامنه برتر جهان برای کاربران ایرانی در دسترس نیستند. این‌ن عدد در میان یک

شرق

میلیون دامنه برتر جهان به حدود ۲۰۰ هزار مقصد اینترنتی می‌رسد. به گفته او، همین مسئله باعث شده کاربران ایرانی حتی برای دسترسی به سرویس‌هایی که ارتباطی با فیلترینگ داخلی ندارند نیز ناچار به استفاده از ابزارهای تغییر IP شوند. اکبری همچنین از کمبود سرمایه‌گذاری در شبکه ارتباطی کشور سخن گفت. به گفته او، مصرف اینترنت نسبت به مهر ۱۴۰۳ بیش از ۵۰ درصد افزایش یافته اما توسعه زیرساخت‌ها متناسب با این رشد نبوده است؛ مسئله‌ای که اکنون خود را در قالب افت کیفیت شبکه نشان می‌دهد.

شفاف‌سازی قطع اینترنت

یکی دیگر از بخش‌های نشست اما به آینده محدودسازی اینترنت مربوط می‌شدد. هاشمی اعلام کرد وزارت ارتباطات در حال طراحی سازوکاری است که در صورت اعمال هرگونه محدودیت اینترنتی، مشخص باشد این تصمیم توسط چه نهادی گرفته شده، چه مدت ادامه خواهد داشت و دامنه آن چیست.

او تأکید کرد قطع یا محدودسازی اینترنت در فضای مبهم و بدون اطلاع‌رسانی شفاف، نه به نفع مردم است و نه به نفع حکمرانی فضای مجازی. اگر این وعده عملی شود، شاید برای نخستین بار در سال‌های اخیر فرایندی مشخص و شفاف برای اعمال محدودیت‌های اینترنتی شکل بگیرد؛ موضوعی که همواره یکی از مطالبات اصلی فعالان اقتصاد دیجیتال بوده است.

وزیر ارتباطات در بخش دیگری از نشست به طور صریح با ایده اینترنت وایت‌لیستی یا همان اینترنت طبقاتی مخالفت کرد. او این طرح را از نظر اجرایی غیرممکن دانست و گفت نمی‌توان برای ده‌ها میلیون کاربر تعیین کرد که هر فرد به چه سطحی از محتوا دسترسی داشته باشد. هاشمی معتقد است چنین رویکردی نه‌تنها نوآوری را محدود می‌کند، بلکه محصول نگاه‌های سلبی به فضای مجازی است؛ نگاهی که به گفته او در سال‌های گذشته نتوانسته مشکلات را حل کند.

اقتصاد دیجیتال؛ قربانی خاموش محدودیت‌ها

شاید مهم‌ترین پیام کلی این نشست را بتوان در یک جمله خلاصه کرد: اینترنت دیگر صرفاً یک ابزار ارتباطی نیست.

از نگاه وزیر ارتباطات، محدودسازی اینترنت فقط دسترسی کاربران را محدود نمی‌کند، بلکه توسعه روستایی، سرمایه‌گذاری، اقتصاد دیجیتال، مهاجرت نخبگان، توسعه هوش مصنوعی و حتی امنیت ملی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

به همین دلیل است که او در نخستین نشست خبری خود، بیش از هر چیز درباره اینترنت صحبت کرد؛ اینترنتی که سه ماه محدود شد. برای بازگشتش ستاد ویژه تشکیل شد، مصوبه گرفت، ابلاغ شد، اما هنوز حتی مسئولان وزارت ارتباطات نیز نمی‌گویند به نقطه پایان مسیر رسیده است. شاید مهم‌ترین جمع‌بندی نشست همان چیزی باشد که در پاسخ وزیر به «شرق» شنیده شد؛ اینکه حتی بازگشت به وضعیت پیش از دی‌ماه هم دیگر هدف نهایی نیست. هدف به گفته او، باید رسیدن به اینترنتی باشد که بتواند نقش «اکسیژن» را برای اقتصاد و نوآوری کشور ایفا کند. اما اینکه این هدف چه زمانی از سطح شعار و وعده به واقعیت تبدیل می‌شود، همچنان پرسشی است که پاسخش برای میلیون‌ها کاربر ایرانی روشن نیست.

لونژین
LONGINES

SARMAN Co.

شرکت سرمان

۰۲۱ ۲۲ ۶۱ ۳۷ ۵۲



CONQUEST HERITAGE

گفت‌وگو

داستان جنگی که ادامه دارد

ک بسیاری از تحلیل‌ها بر نقش جنگنده‌ها، موشک‌ها و سامانه‌های پدافندی متمرکز بوده‌اند، اما آیا مهم‌ترین میدان نبرد در جنگ ۱۲روزه اساساً نه آسمان، بلکه عرصه اطلاعات، نفوذ، جنگ سایبری و عملیات شناختی بود؟ اگر چنین است، سهم هر یک از این مؤلفه‌ها در موفقیت یا ناکامی طرفین چگونه قابل سنجش است؟

مهم‌ترین نقش را در جنگ ۱۲روزه قدرت اطلاعاتی و جنگ اطلاعاتی طرفین داشته است. این جنگ نشان داد دستگاه‌های اطلاعاتی ایران نیاز به فهم جدیدی از توان و ظرفیت و تسلط اطلاعاتی دشمن دارند. بر این اساس، آنها همگی باید در ساختار و مأموریت‌های سازمانی خود به صورت ریشه‌ای بازنگری و خود را بازسازی کنند. دستگاه‌های اطلاعاتی ایران باید با تفکیک وظایف مشخص، تمرکز خود را بر مقابله با نظام جاسوسی رژیم صهیونیستی و آمریکا بگذارند. به هر حال هر دو جنگ ۱۲روزه و ۴۰روزه نشان دادند که ایران دچار غفلتگیری اطلاعاتی شده است و دستگاه‌های امنیتی نتوانسته‌اند به‌موقع رهبری و فرماندهان عزیز را از خطر حمله به دفاتر و اماکن محل استقرارشان آگاه کنند و با تدابیر مناسب آسیب‌پذیری آنها را کاهش دهند. جنگ سایبری نیز نقش مهمی را در هر دو جنگ ایفا کرده است. حملات سایبری اسرائیل به زیرساخت‌های فناوری در بانک‌های سپه و پاسارگاد در جنگ ۱۲روزه، نشان داد که ساختار پدافند غیرعامل ایران پاسخ‌گوی نیازهای دستگاه‌های مختلف برای خنثی‌سازی جنگ سایبری دشمن نیست. بنابراین باید در تشکیلات پدافند غیرعامل نیز بازنگری صورت گیرد.

ک در ادبیات راهبردی گفته می‌شود هر جنگی آزمونی برای اعتبار بازدارندگی طرفین است. جنگ ۱۲روزه چه تأثیری بر اعتبار بازدارندگی ایران، اسرائیل و حتی آمریکا در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای گذاشت؟ آیا این جنگ موجب تقویت بازدارندگی شد یا برعکس، آسیب‌پذیری‌های جدیدی را آشکار کرد؟

جنگ‌های ۱۲روزه و ۴۰روزه نقاط قوت و ضعف توان بازدارندگی ایران، اسرائیل و آمریکا را به خوبی نشان داد. این جنگ‌ها نشان داد که ظرفیت بازدارندگی ایران بر سه مؤلفه اصلی استوار است:

۱. مخالفت آحاد مختلف مردم از دخالت بیگانگان در تعیین سرنوشت آنها و حمایت آنها از یکپارچگی و حفظ تمامیت ارضی ایران
۲. برخورداری از نیروهای مسلح متکی بر ظرفیت‌های ملی و بهره‌گیری از شیوه‌های جنگ نامتقارن

۳. ظرفیت عظیم ژئوپلیتیک ایران، به‌ویژه در خلیج فارس و تنگه هرمز که در ناتوان‌سازی قدرت عظیم نظامی دشمن نقش بی‌بدیلی ایفا می‌کند.

از طرفی این دو جنگ نشان داد که پایگاه‌های آمریکا در منطقه بسیار آسیب‌پذیر هستند و وابستگی امنیتی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به آمریکا و اسرائیل موجب پایین‌آمدن ضریب امنیتی خاورمیانه شده است. همچنین مشخص شد که اسرائیل بدون آمریکا مفهومی ندارد و اگر آمریکا بخواهد آرامش و صلح در منطقه برقرار شود، نباید آن را از درپچه امنیت اسرائیل ببیند؛ زیرا موجب توسعه ناامنی در جهان می‌شود.

ک اگر هدف اصلی از آغاز جنگ، تغییر رفتار راهبردی جمهوری اسلامی ایران در حوزه هسته‌ای، منطقه‌ای یا موشکی بود، آیا شواهد یک سال پس از جنگ نشان می‌دهد که این هدف محقق شده است؟ یا آنکه نتایج به سمت عکس اهداف اولیه حرکت کرده‌اند؟

افکار عمومی منطقه و ایران بر این باور است که آمریکا و اسرائیل در تحقق اهدافشان در این دو جنگ ناکام مانده‌اند. از سوی دیگر آنها با بمباران مدرسه میناب و ورزشگاه لامرد، چهره جنایتکار خود را تا ابد در اذهان مردم ایران و افکار عمومی جهان ثبت کردند. در عین حال چهره پرافتخاری از مردم ایران در اذهان انسان‌های صلح‌طلب به نمایش گذاشته شد. از سوی دیگر این دو جنگ نشان داد که ایران بایستی توان موشکی، پهپادی و قدرت اقتصادی خود را افزایش دهد و پیوند منطقه‌ای خود را با کشورهای مختلف گسترش دهد تا توان بازدارندگی آن افزایش یابد. از طرفی آمریکا و اسرائیل هم متوجه شدند که بهره‌گیری از جنگ، پرخسارت‌ترین اقدام برای نیل به اهداف شیطان بزرگ و غده سرطانی منطقه است.

ک یکی از مباحث کمتر بررسی‌شده، مسئله «تاب‌آوری ساختار حکمرانی در شرایط شوک نظامی» است. جنگ ۱۲روزه چه تصویری از میزان آمادگی نهادهای سیاسی، نظامی، امنیتی و اجرایی کشور برای مدیریت بحران‌های ناگهانی و جنگ‌های پرتشاب قرن بیست‌ویکمی ارائه کرد؟

در جریان جنگ ۱۲روزه، ظرفیت بالای دولت در کمک به تاب‌آوری مردم مشخص شد. علی‌رغم آنکه حدود ۱۰ میلیون نفر از مردم ایران فقط به استان‌های شمالی سفر کردند، ولی هیچ‌گونه مشکلی در تأمین آذوقه و مایحتاج و سوخت آنها به وجود نیامد؛ نه‌تنها برای بنزین هیچ‌گونه صفی تشکیل نشد، بلکه قیمت سوخت هم بدون تغییر باقی ماند و ساختار دولت، توانایی خود را برای تدارک مردم در شرایط بحرانی جنگ نشان داد. از سوی دیگر همدلی و همراهی مردم با یکدیگر بیشتر شد و اعتماد به دولت افزایش یافت و ضریب همبستگی ملی بالا رفت و بر سرمایه اجتماعی حاکمیت افزوده شد.

ک با توجه به اینکه در جنگ ۱۲روزه و سپس جنگ ۴۰روزه شاهد نقش‌آفرینی هم‌زمان قدرت سخت، قدرت اطلاعاتی، جنگ سایبری، عملیات روانی و نبرد رسانه‌ای بودیم، آیا اساساً کشورهای جنگ‌های آینده علیه ایران را باید در قالب «جنگ ترکیبی چندلایه» تعریف کرد؟ اگر پاسخ مثبت است، کدام بخش از ساختار دفاعی و امنیتی کشور بیش از دیگر بخش‌ها نیازمند بازنگری و نوسازی است؟

همه ساختارها و حتی مأموریت‌های بخش‌های دفاعی، نظامی، اطلاعاتی، امنیتی و حتی صنعتی کشور متناسب با تغییر ماهیت، کیفیت و کمیت تهدیدات، نیازمند تغییر، بازنگری، بازسازی و به‌روزرسانی هستند. باید تکیه حاکمیت بر ظرفیت و قدرت ملی و استعدادهای آحاد مختلف مردم افزایش یابد و شیوه‌های نادرستی که باعث واگرایی در جامعه می‌شدند، کنار گذاشته شوند تا مردم همچون دوران بیروزی انقلاب اسلامی و در دوره زمامداری امام خمینی، خود را صاحب کشور و مملکت بدانند و به سرنوشت ایران حساس باشند و همه اقشار برای سربلندی و عزت ایران تلاش کنند.

ک برای پرسش آخر، اخیراً در مصاحبه‌ای عنوان کرده‌اید که بیش از جنگ ۴۰روزه به علی ششمخانی هشدار داده بودید کشور در آستانه یک درگیری نظامی قرار دارد و حتی احتمال ترور مقامات ارشد و رهبر انقلاب را نیز مطرح کرده بودید که با واکنش خود ششمخانی، آن هم در مقام دبیر شورای دفاع مواجه شد. این اظهارات از یک سو نشان می‌دهد که بخشی از تهدیدات از پیش قابل تشخیص بوده‌اند و از سوی دیگر این پرسش را ایجاد می‌کند که فاصله میان «داشتن تهدید» و «آدم‌شدن برای آن تهدید» دقیقاً در کجای ساختار سیاسی، امنیتی و نظامی کشور شکل گرفته است؟ آیا جنگ‌های ۱۲روزه و ۴۰روزه را باید محصول شکست اطلاعاتی دانست یا شکست در تصمیم‌گیری و اقدام به‌موقع؟

شهید دریاسالار علی شمخانی و بسیاری از فرماندهان شهید، وقوع جنگ را با توجه به روایات ترامپ و کینه‌های نتانیاهو و برنامه‌های آمریکا و اسرائیل قطعی می‌دانستند و توان خود را نیز برای مقابله کشور با تهدیدات متصور آماده کرده و به کار گرفته بودند. اما به نظر می‌رسد که سیستم دریافت اطلاعات به‌موقع دچار اشکال اساسی است. از آنجا که عمده تصمیم‌گیری‌ها متکی بر کسب اطلاعات به‌موقع و دریافت اطلاعات صحیح است، بنابراین اخلاق در این حوزه موجب دیر تصمیم‌گرفتن یا به‌موقع تصمیم‌نگرفتن می‌شود.



زنان افغانستانی از انزوای خود به دلیل قوانین سخت‌گیرانه به «شرق» گزارش می‌دهند

وحشت در خیابان‌های هرات

مهسا مژدهی: زنان از ترس و وحشت خانه‌نشین شده‌اند؛ این حرف را رزنی ۲۲ساله و معلم در هرات می‌زند که حالا برای رفتن به مکتب یا سست می‌کند و می‌گوید هر بار هنگام خروج از خانه می‌ترسد که نتواند دوباره به آنجا برگردد.

مسوح جدید قوانین سخت‌گیرانه طالبان، پیاده‌روهای هرات و کابل را به شکلی بی‌سابقه از حضور زنان خالی کرده و به تعبیر شهروندان، سایه‌ای از وحشت را بر فضای شهری گسترانده است. بازداشت‌های خشونت‌آمیز خیابانی به بهانه عدم پوشش کامل صورت (برقع) و سیستم تنبیه جمعی که به اخراج مردان خانواده از مشاغلشان منجر می‌شود، زنان را میان دوراهی بقا یا حضور اجتماعی قرار داده است. این استراتژی حذف سیستماتیک، نه‌تنها پیاده‌روها و فضاهای عمومی را مردانه کرده، بلکه با ناامن‌سازی مکان‌های حیاتی مانند مراکز درمانی و ایستگاه‌های تاکسی، زنان افغانستانی را به سمتی سوق داده که از ترس بازداشت، تحقیر و جرمیه‌های سنگین، خانه‌نشین و انزوای اجباری در کنج خانه‌ها را انتخاب کنند.

جزئیاتی از ممنوعیت تازه علیه زنان افغانستان

روز جمعه ۱۵ خرداد اطلاعیه‌ای در برخی از رسانه‌های افغانستانی منتشر در خارج از این کشور منتشر شد که براساس آن نهاد امر به معروف در هرات اعلام کرده بود از این پس زنانی که حجاب را رعایت نمی‌کنند، بازداشت شده و به زندان منتقل می‌شوند و هیچ‌کس حق گلابه و شکایت ندارد. هم‌زمان یک فایل صوتی هم دست به دست شد که در آن آمده زنانی که روی آنها پیداست (برقع ندارند) توسط یازسان سایر طالبان که در سطح شهر و بازارها حضور دارند، جمع‌آوری خواهند شد و به زندان خواهند رفت. ویدئوهای منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی نشان از آن دارند که مأموران روز ۱۶ خرداد دستور را اجرائی کرده و به بازداشت بعضاً خشونت‌آمیز زنان در خیابان‌های هرات دست زده‌اند.

طالبان پیش از این هم محدودیت‌های گسترده در کشت‌وگذار زنان در هرات را وضع کرده و ازجمله به رانندگان تاکسی‌های شهری دستور داده‌اند از سوارکردن زنان بدون محرم و زنانی که برقع نپوشیده‌اند، خودداری کنند.

قوانین جدید حجاب، پیش از آنکه پوشش را تغییر داده باشد، پیاده‌روها را خالی کرده است. زنی ساکن هرات در توصیف این وضعیت تنها از یک کلمه استفاده می‌کند: «وحشت». وحشتی که باعث شده زنان برای بقا، خود را در خانه‌ها پنهان کنند.

در ابلاغیه طالبان به زنی که عطر بزند هم اتهاماتی وارد و هشدار داده شده که اگر زنان کارمند خود را به‌طور کامل (به همراه پوششان) نپوشند، از کار تعلیق خواهند شد. این حکم شامل خانواده آنها هم می‌شود و مردان خانواده که مشاغل دولتی دارند از کار اخراج می‌شوند. این دستورات طی روزهای اخیر در مکان‌های عمومی به مردان ابلاغ شده است. حکم کنونی هرچند جدید نیست اما سخت‌گیری‌ها به‌تازگی افزایش پیدا کرده است. هبت‌الله اخوندزاده رهبر طالبان، در سال ۱۴۰۱ دستور داده بود زنان باید صورت خود را بپوشانند، در غیر این صورت اولیای آنان زندانی و به دادگاه کشانده می‌شوند. براساس این دستور، «چادری» (شامل پوشش‌سی که صورت و بدن آنها را به‌طور کامل می‌پوشاند) بهترین حجاب و نماد فرهنگ افغانستان دانسته شده که از گذشته‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفته است. تمام زنان افغانستانی در سال‌های دهه ۹۰ میلادی به دستور طالبان چنین پوششی داشتند، اما در سال‌های جمهوری ترخوع پوشش در این کشور بیشتر شده بود؛ هرچند هنوز تعداد زنانی که پوشش آبی‌رنگ بر تن داشته و صورت خود را می‌پوشانند به‌هیچ‌وجه کم نبود.

روایت زنانه از خیابان‌های هرات و کابل

صبح زن ۲۲ساله افغانستانی که معلم دانش آموزان دختر کلاس سوم تا ششم دبستان است، در مصاحبه با «شرق»، از ترس و وحشت حاکم بر هرات حرف زده و می‌گوید: از روز شنبه ۱۶ خرداد، تعداد زیادی از زن‌ها، حتی آنهایی که «چادری» در سر داشتند و چهره‌هایشان پنهان بود، در این شهر بازداشت شده‌اند. به گفته او تعداد بازداشتی‌ها در روزهای اخیر بیش از ۲۰۰ نفر تخمین زده می‌شود (این آمار از سوی منابع تأیید نشده است). سیمیه تأکید می‌کند که زنان پیش از اینکه طالبان دستورات جدید را ابلاغ کنند، حجاب کامل داشته‌اند. به گفته این زن جوان، تعدادی از زنان تنها به دلیل اینکه لباس بلندی در زیر «چادری» خود نپوشیده بودند، با خشونت بازداشت شدند.

او در مورد سرنوشت زنانی که اغلب با خشونت دستگیر شده‌اند، می‌گوید: اگر آنها موقع بازداشت آرام باشند، به حوزه (کلانتری) منتقل می‌شوند و آنجا از برادران و پدرشان می‌خواهند تا تعهدنامه‌ای را امضا کنند که براساس آن زن‌ها دیگر هرگز با چنین حجابی از خانه بیرون نیایند. اوضاع برای زنانی که زمان دستگیری مقاومتی از خود نشان داده‌اند بدتر است و آنها به زندان منتقل می‌شوند. به گفته سیمیه، برخورد با زنان و خانواده‌های آنها در حوزه‌ها به‌شدت تحقیرآمیز و سرشار از توهین بوده است.

این معلم هراتی در توصیف فضای حاکم بر شهر این‌گونه توضیح می‌دهد: فضای شهر از دست زنان خارج شده است. من امروز ساعتی را در خیابان برای رسیدن به محل کارم حضور داشتم و حتی سه زن هم بیرون از خانه ندیدم. به گفته او زن‌ها از ترس بازداشت خیابان‌ها را ترک کرده و خانه‌نشین شده‌اند و ناامیدی و بی‌انگیزگی دامن‌گیرشان شده است.

این نخستین بار نیست که محدودیت علیه زنان افغانستان به چنین درجه‌ای می‌رسد. به گفته سیمیه، پیش از این هم راننده‌های تاکسی از سوارکردن زنانی که مانو به تن داشتند، خودداری می‌کرده‌اند. همچنین نشستن زنان بدون محرم در تاکسی‌ها و به‌خصوص صندلی جلو، دردرسهایی را برای آنها فراهم می‌کرده است. او می‌گوید مدت‌هاست که زن‌ها از رفتن به پارک منع می‌شوند یا ناچارند در روزهای خاصی که هیچ مردی در پارک‌ها حضور ندارد، برای تفریح مراجعه کنند.

به گفته سیمیه اعتراضات اخیر در شهر هرات، بیش از آنکه در مورد برخوردهای خشن با زنان به دلیل نپوشاندن صورت‌هایشان باشد، معیشتی بوده است. او تأکید می‌کند با وجود اینکه برخی تجمعات برای روزهای پیش‌رو برنامه‌ریزی شده، اما بعید می‌داند که گروه بزرگی به آن بیونند؛ چراکه زنان از برخوردهای طالبان وحشت دارند و مردان هم قایل نیستند به خاطر چنین مسئله‌ای اعتراض کنند.

اما ماجرا فقط به هرات ختم نمی‌شود. وقایع اخیر در این شهر غربی افغانستان، پایتخت این کشور، کابل را هم وحشت‌زده کرده است. طیبه، زن ۲۷ساله‌ای که نویسنده است، به «شرق» می‌گوید خیابان‌های کابل از زنان خالی شده است و همه وحشت‌زده‌اند. به گفته طیبه، تصمیمات درباره مسائل زنان هرچند ابتدا در یک شهر مطرح می‌شود، اما در ادامه شهرهای دیگر را هم در بر می‌گیرد و طبق اطلاعاتی که زنان برای یکدیگر در شبکه‌های اجتماعی ارسال می‌کنند، بازداشت آنها به دلیل نپوشاندن صورت‌هایشان از روز شنبه آینده در کابل هم کلیه خواهد خورد. به گفته او از همین حالا زن‌ها به یکدیگر توصیه می‌کنند پایشان را در خیابان نگذارند. طیبه می‌گوید طالبان برای برخورد با زنان در کابل اغلب به مراکزی که ازدحام زیاد است، هجوم می‌برند و به همین دلیل بیمارستان‌ها و



مراکز درمانی، یعنی مکان‌هایی که زنان ناچار به رجوع به آنها هستند، بیش از دیگر نقاط در معرض خطرند. او می‌گوید اخیراً خواهرم به دلیل اینکه مشکل تنفسی دارد، قادر به پوشاندن صورتش نبوده و پس از بازداشت، از شغل خود بیکار شده و همسرش هم شغل دولتی خود را از دست داده است. طیبه توضیح می‌دهد که برخورد با خانواده‌های بازداشت‌شدگان به‌شدت توهین‌آمیز بوده و هدف طالبان این است که با زیر پا گذاشتن عزت‌نفس مردان خانواده، آنها را برای تحت فشار قراردادن زن‌ها مجتد پوشاندن صورت‌هایشان تشویق کنند. به گفته این نویسنده، گروهی از بازداشت‌شدگان اخیر به دلیل مشخص شدن بخشی از دست یا پاهایشان هنگام راه‌رفتن، در حالی که صورت‌ها و موهایشان کاملاً پوشیده بوده، به بازداشتگاه منتقل شده‌اند.

فریاد در سکوت

از روز جمعه ۱۵ خرداد، موجی از اعتراض علیه برخورد با زنان در هرات، شبکه‌های اجتماعی به‌ویژه ایکس را در بر گرفته است. براساس آماری که آکادمی دیتوم در اختیار «شرق» قرار داده است، از پانزدهم تا نوزدهم خرداد ۱۴۰۵، هزارو ۶۲۲ پست درباره وقایع شهر هرات در شبکه اجتماعی ایکس منتشر یا بازنشر شده که از سوی ۷۵۰هزارو ۶۶۰ نفر مورد بازدید قرار گرفته است و ۴۳۰ کاربر ایکس در بحث‌ها مشارکت داشته‌اند.

یکی از پربازدیدترین پست‌ها در ایکس یا همان توئیتر سابق مربوط به کاربری است که حال و هوای این روزهای زنان هراتی را روایت می‌کند و نوشته: پدرم می‌گوید اگر بردن، به خانه هم برگرد و برادرم تأیید می‌کند و مادرم سکوت.

پست دیگری که زنان افغانستانی را آزرده کرده، به سخنان سعد محسنی، مالک تلویزیون طلوع برمی‌گردد. سعد محسنی، مالک تلویزیون طلوع، در سخنان تازه‌ای می‌گوید وضعیت زنان در شهرهای بزرگ افغانستان تفاوت زیادی با دوره جمهوریت ندارد و زنان می‌توانند بدون پوشاندن صورتشان به شهر بروند و رانندگی کنند. سعد محسنی می‌افزاید که اکثریت رهبران طالبان خودشان دختران خود را به مکتب می‌فرستند. اما او نمی‌گوید چون مکتاب در افغانستان بسته‌اند، رهبران طالبان دخترانشان را به کدام مکتب می‌فرستند؟

کاربر شناخته‌شده دیگری با تکیه بر حرف‌هایی که سعد محسنی در کنار گروهی از زنان خبرنگار آمریکایی مطرح کرده، نوشته است: آقای سعد محسنی، این درست است که طالبان به شما و رسانه‌تان فضا داده‌اند و برای معاملات تجاری‌تان نیز راه گشوده‌اند، اما این به آن معنا نیست تا شما در برابر این امتیازها از کیسه خلیفه رشوه بریزید و وضعیت درندگان زنان در افغانستان را به جامعه و افکار عمومی عادی جلوه دهید. در شرایطی که امروز زنان هرات و همه زنان افغانستان در دشوارترین و محدودترین وضعیت زندگی خود قرار دارند و از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی و اجتماعی محروم شده‌اند، اظهارات شما مبنی بر عادی بودن وضعیت زنان در افغانستان، با واقعیت‌های موجود و با اصول بنیادین ژورنالیسم رسالت‌مند در تضاد آشکار قرار دارد. خبرنگار و رسانه نمی‌توانند رنج و واقعیت زندگی میلیون‌ها انسان را نادیده بگیرند یا آن را وارونه بازنمایی کنند… پول چیزی خوب است اما کرامت ارزشی است که با پول اندازه نمی‌شود.

پست دیگر، ادعای درخواست پول از خانواده‌های زنان بازداشت‌شده را مطرح کرده است. طبق این ادعا که از قول زنی پزشک در هرات نقل شده، طالبان برای آزادی زنانی که بازداشت کرده‌اند، ۱۳ هزار افغانی در خواست داشته‌اند و یک وکیل (ریش‌سفید محلی) باید ضمانت آنها را بر عهده بگیرد. این ادعایی است که طیبه، یکی از زنانی که با «شرق» مصاحبه داشته نیز آن را مطرح کرده است. براساس اطلاعاتی که دیتوم در اختیار ما قرار داده، اظهارات فوئیزه کوفی، نماینده سابق پارلمان و فعال کنونی حقوق بشر که گفته طالبان طی دو روز شنبه و یکشنبه بیش از ۶۰ زن را در هرات بازداشت کرده‌اند، از دیگر نوشته‌هایی به حساب می‌آید که مورد توجه قرار گرفته است.

واکنش‌ها چه بود؟

در واکنش به این رویدادها، هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) نسبت به بازداشت و توقیف زنان در هرات به دلیل آنچه «عدم رعایت الزامات پوشش» خوانده شده، ابراز نگرانی کرد. یوناما در بیانیه‌ای که روز یکشنبه ۱۷ خرداد منتشر شد، اعلام کرد که این بازداشت‌ها نگرانی‌های جدی حقوق‌بشری ایجاد می‌کند.

علاوه بر این، نصیر احمد فایق، نماینده سرپرست افغانستان در سازمان ملل متحد، این بازداشت‌ها را محکوم کرد. فایق گفت که این اقدامات را که به گفته او غیرانسانی و غیرقانونی است، به‌شدت محکوم می‌کند. او پرسید چگونه مأموران امر به معروف طالبان خود را حامی و سرپرست مشروع زنان می‌دانند، در حالی که آنان را با زور از خیابان‌ها و بازارها بازداشت و منتقل می‌کنند. فایق همچنین افزود که گزارش‌های معتبر مستندی درباره خشونت، بذررفاری، آزار جنسی در زندان‌ها و ازدواج‌های اجباری مرتبط با اعضای طالبان وجود دارد؛ مواردی که به گفته او هرگز به شکلی شفاف مورد تحقیق قرار نگرفته یا به‌طور مناسب به آنها رسیدگی نشده است.

پس از آنکه خبرهایی در مورد برخورد با معترضان در شهرک جبرئیل در غرب هرات منتشر شد، ریچاد بنت، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد برای افغانستان، از استفاده بیش از حد زور توسط طالبان علیه معترضان در هرات ابراز نگرانی کرده است. بنت گفته است: با نگرانی از استفاده بیش از حد از زور علیه اعتراضات مسالمت‌آمیز در هرات، وقت آن رسیده است که تنش‌ها را کاهش دهیم، به آزادی بیان شهروندان به‌ویژه زنان و دختران احترام بگذاریم و از آسیب بیشتر جلوگیری کنیم. مسئولان خشونت باید پاسخ‌گو باشند.

اشاره بنت به ویدئوهایی است که شهروندان (ازجمله تعدادی از زنان) شعار تحصیل، کار و آزادی سر می‌دادند. برخی از رسانه‌های افغانستانی که در خارج از این کشور منتشر می‌شوند، می‌گویند طالبان با شلیک به این اعتراض‌های مردمی پاسخ داده‌اند و چندین زخمی به بیمارستان منتقل شده‌اند.

با وجود این مسئندت‌ها، وزارت امر به معروف در هرات نه‌تنها بازداشت زن‌ها را تکذیب کرده، بلکه تاکنون واکنشی در مورد برخورد خشونت‌آمیز مأموران با معترضان از خود نشان نداده است.

گزارش

پایان سفر «شی» به کره شمالی

رئیس جمهوری چین روز گذشته پس از سفری کم‌سابقه به کره شمالی، به پکن بازگشت. او در این سفر با کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی، دیدار کرد و در چند برنامه عمومی مشترک شرکت داشت.

به گزارش خبرگزاری رسمی کره شمالی، کیم جونگ اون، شی جین‌پینگ را «بزرگ‌ترین میهمان دولتی» کشورش توصیف کرد و گفت که انتخاب کره شمالی به‌عنوان نخستین مقصد سفر خارجی شی در سال جاری میلادی را «امیدبخش‌ترین حمایت» از پیونگیانگ می‌داند.

شی که برای نخستین بار طی هفت سال گذشته به پیونگیانگ سفر کرده بود، در دیدار با کیم، بر آمادگی چین برای توسعه همکاری‌ها در زمینه‌هایی همچون تجارت، کشاورزی، ساخت‌وساز و فناوری تأکید کرد. این دو رهبر روز گذشته از برج دوستی چین و کره شمالی که به یاد سربازان چینی کشته‌شده در جنگ کره بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۳ میلادی ساخته شده است، بازدید کردند. رسانه‌های دولتی چین گزارش دادند که این دو رهبر بر اهمیت حفظ دوستی سنتی میان دو کشور و تداوم روح مقاومت در برابر ایالات متحده تأکید کردند.

کارشناسان معتقدند از آنجایی که پیونگیانگ در سال‌های اخیر بیش از گذشته به روسیه نزدیک شده، اکنون شی احتمالاً در پی آن است که نفوذ انحصاری کشورش بر کره شمالی را احیا کند. تحلیلگران می‌گویند کیم جونگ اون نیز در مقابل، انتظار دارد از این روابط منافع اقتصادی و سیاسی به دست آورد.

شی جین‌پینگ وعده داد روابط سنتی و پیچیده چین و کره شمالی را به «مرحله‌ای تازه» ارتقا دهد.

رسانه‌های دولتی چین و کره شمالی در گزارش‌های خود اشاره‌ای به دیدار این دو رهبر، بر توسعه همکاری‌های دوجانبه و حمایت دوسه‌را کیم جونگ اون از سیاست «چین واحد» در قبال تایوان تأکید کردند، اما هیچ اشاره‌ای به برنامه هسته‌ای کره شمالی که از مهم‌ترین مسائل امنیتی منطقه به شمار می‌رود، نکردند.

حال آنکه شی جین‌پینگ در سفر سال ۲۰۱۹ میلادی خود به پیونگیانگ از ادغامی چین برای کمک به خلع سلاح هسته‌ای شبه‌جزیره کره سخن گفته بود. این موضوع می‌تواند پیروزی دیپلماتیک برای کیم تلقی شود؛ کمالاتیک رهبر کره شمالی به دنبال کسب به رسمیت شناخته‌شدن کشورش به‌عنوان یک قدرت هسته‌ای است و به گفته کارشناسان می‌تواند از آن موقعیت برای درخواست لغو تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی استفاده کند. بازسازی نفوذ سنتی چین بر کره شمالی می‌تواند دست شی جین‌پینگ را در تعامل با دونالد ترامپ که بارها خواستار ازسربگیری مذاکرات با کیم جونگ اون شده است، تقویت کند.

گواهی می شود فاکتور بلوک سیلندر

به شماره پلاک ۳۷ ایران ۷۵۸ج۷۹

و به شماره موتور ۰۰۵۸۸۳۵۱

مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی تغییرات صندوق سرمایه گذاری بخشی صنایع ثروت آفرین

به شناسه ملی ۱۴۰۱۴۴۱۴۵۷۴ و به شماره ثبت ۵۹۲۵۲ به استناد

صور تجلسه مدیر صندوق مورخ ۰۴.۰۸.۱۴۰۴ و مجوز شماره

۱۲۲/۱۸۷۵۲۹ مورخ ۱۴۰۴.۹.۱۲ سازمان بورس و اوراق بهادار

تصمیمات ذیل اتخاذ شد کلیه اسناد و اوراق تعهد آور صندوق

از جمله قرارداده‌ا ، چک ، سفته ، برات با امضاء دو نفر از چهار نفر

آقایان عبدالمجید دهقان به شماره ملی ۰۰۴۹۲۶۲۳۸۱۳،اکبر

حامدی میخوش به شماره ملی ۰۱۶۷۱۸۹۲۹۳۳،سید محمود یاسینی

اردکانی به شماره ملی ۰۴۴۴۹۹۱۷۷۵۸ و مرتضی بر جلو به شماره ملی

۰۰۷۴۲۳۹۷۶۷ به همراه مهر صندوق و سایر مکاتبات اداری و عادی

با امضای یکی از اشخاص فوق و مهر صندوق معتبر می باشد .

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات

غیر تجاری تهران(۱۳۹۷-۲۲)

خبر

پایان کردوخاک

گردوخاک ناشی از انفجار عظیم موشک نیوکلن که هم «ساحل فضایی» فلوریدا و هم صنعت فضایی را به لرزه درآورد، فرونشسته است. شرکت بلو ارجین، بیش از چهارمین مأموریت نیوکلن، در حال انجام آزمایش سوخت‌گیری بود که رخدادی با علت هنوز نامشخص به ناپودی کامل موشک و واردشدن خسارت سنگین به زیرساخت‌های زمینی مجتمع پرتاب ۳۶ (LC-36) منجر شد. در حادثه انفجار کسی آسیب ندید، اما این شکست ضربه‌ای جدی به توانایی بلو ارجین برای پایبندی به برنامه زمانی ناسا در پشتیبانی از مأموریت‌های اترمیس برای بازگرداندن فضاوردان به ماه وارد کرد. این حادثه همچنین ساخت منظومه اینترنت ماهواره‌ای «لئو» آمزون را که قرار است با شبکه استارلینک اسپیس‌ایکس رقابت کند، بیش از پیش به تأخیر انداخت. انفجار نیوکلن به مجتمع پرتاب ۳۶ خسارت گسترده‌ای وارد کرد. این مجتمع تنها سکوی پرتاب بلو ارجین است که توانایی پشتیبانی از موشکی به بزرگی نیوکلن را دارد. میزان خسارت آن قدر زیاد است که حتی از فضا نیز دیده می‌شود. تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهند پوشش گیاهی اطراف سکوی نیوکلن، با عرض حدود یک کیلومتر تقریبا در تمام جهات سوخته و سیاه شده است. بلو ارجین این مجتمع را در پایگاه نیروی فضایی کیپ کاناورال اجاره کرده است. در تصاویر، خسارات واضح به برج پرتاب، کانال هدایت شعله و دیگر سامانه‌های پشتیبانی در سراسر مجموعه، دیده می‌شود. بلو ارجین قصد داشت نخستین ماه‌نشین عملیاتی خود به نام بلومون مارک ۱ را پاییز امسال به سطح ماه بفرستد. به احتمال زیاد این پرتاب را چندین ماه به تعویق خواهد انداخت.

یادداشت

مبارزه همراه با مذاکره؟ مسئله این است

نسل سوم این طیف آقای جلیلی و همراهان بودند که به‌شدت به عملکرد تیم مذاکره‌کننده چه در زمان دولت آقای خاتمی و چه در دوران آقای لاریجانی در دولت آقای احمدی‌نژاد منتقد بودند، اما در زمان مسئولیت پرورنده هسته‌ای و دبیری شحام با کسب اجازه از رهبری در سالل ۱۳۸۸ اقدام به قدمزنی و مذاکره با تیم آمریکایی به نمایندگی برنز، معاون وقت وزیر خارجه آمریکا در وین کردند و به توافقاتی هم در پرورنده هسته‌ای دست یافتند که با مخالفت برخی جریان‌ات رقیب به نتیجه نرسید. نسل چهارم جریان مخالف مذاکره، نواصولگرایی بودند که در زمان دولت روحانی با تصویب قانون راهبردی هسته‌ای در مجلس مانع باگ‌زشت به ویرام و مذاکرات آقای ظریف شدند اما پس از جنگ ۱۲روزه با مذاکره و توافق همراه شدند و حتی در اسلام‌آباد از خطوط قرمزی که برای آقای ظریف ترسیم شده بود، عبور شد. در شرایط فعلی، نسل پنجم که عمدتا توسط مجریان تلویزیون، برخی مداحان و چهره‌های سورپارتلابی فضای مجازی مدیریت می‌شود، عملکرد گذشتگان را خیانت قلمداد می‌کنند و راه‌ران را در مبارزه بدون مذاکره می‌دانند.تفاوت آن در طیف آن باید در دو خط موازی آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی دانست. در آرمان‌گرایی فقط بر ارزش‌ها و اهداف تمرکز می‌شود، اما در واقع‌گرایی، محدودیت‌ها و نیازها هم مورد توجه قرار می‌گیرد و بین بایدها و واقعیت‌ها، تعادل و توازن برقرار می‌شود، یعنی نقطه تقاطع دو خط آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی. بنابراین از میان اینوه واقعبات‌ها در حوزه اقتصاد، جامعه، زیرساخت‌ها، انرژی و… تنها به یک واقعیت در مورد تورم اشاره می‌شود: مرکز آمار ایران نرخ رسمی تورم جایش به نقطه آردیبهشت ماه را حدود ۸/۸ درصد اعلام کرده است. این رقم به معنای آن است که اگر روند فعلی اقتصاد کشور که در آستانه توافق عنوان می‌شود، حفظ شود، تورم سالانه با این نرخ از صدرصد فراتر می‌رود. تازه اگر شرایط فعلی به سمت تنش بیشتر یا آغاز جنگ برود و توافقی صورت نگیرد، طبیعتا تورم از این رقم نیز فراتر می‌رود و کشور به سونامی تومری شبیه زئوزولا یا آرژانتین دچار شده و اقتصاد ملی دچار فروپاشی و ورشکستگی می‌شود. فقط در یک مورد سید کالای پایه دولت، طرف شرف ماه از بیش از دو میلیون به بیش از پنج میلیون رسیده است که دولت با پرداخت کالابریک فقط یک میلیون تومان از آن را برنج می‌کند و تنها در این سید، مردم باید سه برابر مبلغ کالابریک را از جیب خود هزینه کنند تا افزایش قیمت آن را جبران کنند. بنابراین آقای پزشکیان اجبارا به افزایش آن تصمیم گرفت. اما جریان مخالف مذاکره نسبت به این موضوع توجه چندانی ندارد و با شعارهایی مانند اینکه گرانی ناشی از کمبود نیست و خودکفایی و نفی وابستگی به خارج لازم است، از کنار جایش به نقطه اقتصاد عبور می‌کنند و مشکل را از عدم مدیریت نظام اقتصادی و گرانی ارز را کار دشمن می‌دانند و خیابان را از دادن امتیاز نقد و قول نسیه در مذاکرات می‌ترسانند. در حالی که اقتصاد ایران به‌شدت دچار بحران است و اکنون که به جز بخش چهار درصدی جامعه، علاوه بر طبقه مستضعف و آسیب‌پذیر، طبقه متوسط و حتی طبقه نسبتا مرفه هم درگیر مسائل معیشتی هستند، نمی‌توان با شعار، سفره کوچک‌شده مردم را تأمین کرد و گریزی نداریم که از آرمان‌گرایی به واقع‌گرایی تغییر نگاه دهیم. در غیر این صورت امکان مقاومت و دفاع از حقوق ملی کشور را در دست خواهیم داد. هدف باید ایجاد امنیت پایدار باشد.

نقدی بر تحلیل آمریکا‌زا سیاست‌های امنیت غذایی چین

درین میان، بخشی از تحلیل‌های آمریکایی می‌گویند سیاست‌های امنیت غذایی چین را نه به عنوان واکنشی به آسیب‌پذیری‌های داخلی و بی‌ثباتی اقتصاد جهانی، بلکه به عنوان پروژه‌ای برای سلطه ژئوپلیتیکی تفسیر کند. هرچند برخی نگرانی‌ها دربراره افزایش نفوذ اقتصادی چین، وابستگی بازار جهانی به تقاضای این کشور و پیامدهای ذخیره‌سازی گسترده غلات تأمل‌برانگیز است، اما تبدیل این مسائل به نظریه «جنگ غذایی چین علیه جهان» بیش از آنکه بر شواهد قطعی استوار باشد، بازتاب فضای فکری حاکم در جهان غرب و رقابت ژئوپلیتیکی و امنیتی میان واشینگتن و پکن است. تحلیل علمی امنیت غذایی مستلزم تفکیک میان واقعیت‌های اقتصادی، منافع ملی دولت‌ها و روایت‌های ایدئولوژیک است. در غیراین صورت خطر آن وجود دارد که مفهوم امنیت غذایی به ابزاری برای بازتولید منازعات سیاسی قدرت‌های بزرگ تبدیل شود؛ وضعیتی که نه‌تنها به فهم دقیق بحران غذایی جهان کمک نمی‌کند، بلکه امکان همکاری بین‌المللی برای حل این بحران را نیز بیش‌ازپیش تضعیف خواهد کرد و ناملنی غذایی در جهان را افزایش خواهد داد.

گزارش «شرق» از رکود کم‌سابقه در بازار صنایع دستی پس از جنگ و اختلال در مسیرهای صادراتی

گره کور بر دارِ معیشت

توقف و کاهش صادرات، گرانی مواد اولیه، افت فروش و کاهش قدرت خرید هزاران هنرمند صنایع دستی به‌ویژه زنان روستایی را بیگار یا درآمدشان را کم کرده است

فرزانه احمدی

هنرمندان حوزه صنایع دستی روزهای خوبی را نمی‌گذرانند. بسیاری از زنانی که در روستاها صنایع دستی تولید می‌کردند، در طول جنگ و پس از آن بیگار شده‌اند یا بخشی از درآمد خود را از دست داده‌اند. به بهانه بیستم خرداد که روز جهانی صنایع دستی است، «شرق» با تعدادی از تولیدکننده‌ها و صادرکننده‌های صنایع دستی گفت‌وگو کرد؛ صحبت‌های این افراد نشان می‌دهد صادرات و فروش داخلی کم یا حتی در موارد زیادی منوقف شده است و بنابراین به اندازه قبل به کارگاه‌ها یا هنرمندان صنایع دستی -که بسیاری از آنها در روستاها هستند- سفارش تولید داده نمی‌شود. با این روند، افراد زیادی در شهرها و روستاها در خطر بیکاری قریب‌الوقع هستند یا حتی همین الان هم بخشی از منبع درآمدشان را از دست داده‌اند. به‌ویژه که جنگ در اسفند و نوروز رخ داد که به عنوان پیک تولید و فروش صنایع دستی به حساب می‌آید.

مسیرها بسته و کالا ارسل نمی‌شد

یک فعال حوزه صنایع دستی می‌گوید که هم‌زمان در حوزه‌های طراحی، تولید، فروش و برندینگ و همچنین کارآفرینی روستایی صنایع دستی اشتغال دارد، به «شرق» می‌گوید: «صنایع دستی در ۴۷ سال گذشته به اندازه این چند ماه در بحران نبوده و امروز صنف ما یتیم مانده است». برآورد محمد هاشمی، از شرایط فعلی این است: «تورم زیاد باعث شده صنایع دستی از سبد خانوار حذف شود و خانواده‌ها آن را در اولویت خرید قرار ندهند. فروش در داخل بسیار ناچیز است و فقط از طریق ایجاد بازارچه در بعضی شهرها می‌توان اجناسی را به فروش رساند. فروش به سازمان‌ها هم بخش دیگری از بازار اینس کالاها را در بر می‌گیرد. با این حال برآورد من این است که میزان فروش تا ۷۰ درصد کاهش داشته است». او به مشکلات در زمینه صادرات هم اشاره می‌کند: «مسیرهای دریایی و پروازی بسته شده است. مسیرهای زمینی هم فقط به مقاصد محدودی مانند وان ترکیه باز است و میزان کمی از محصولات به صورت چمدانی خارج می‌شود که این روش هم با محدودیت زیادی در ظرفیت جابه‌جایی مواجه است». هاشمی

جای خالی گردشگران را مطرح می‌کند: «توریست‌ها از مهم‌ترین خریداران صنایع دستی بودند که ورودشان در این ماه‌ها تقریبا صفر شده است». به گفته هاشمی: «تولیدات صنایع دستی، به‌روز نشده است و مصرف کاربردی ندارد. در نتیجه بیشتر به حضور توریست‌ها وابسته است و نبود گردشگر تا حد زیادی بازار این صنایع را تحت تأثیر قرار داده است». هلدینگی که هاشمی در آن مشغول به کار است، بیش از هزار زن را در روستاها آموزش داده تا صنایع دستی تولید کنند: «محصولات صادراتی زیادی که در روستاها تولید شده‌اند، با لغو پروازها در انبارها مانده است. نمایشگاه این محصولات در اسفندماه به دلیل شرایط و بسته‌بودن آسمان ایران برگزار نشد. بنابراین محصولات فروش نرفته است و ما درگیر بدهی هستیم. تسهیلات برای فعالان صنایع دستی کم کافی نیست و همه این عوامل فعالان این حوزه را در بحران قرار داده است».

هلدینگی که هاشمی در آن مشغول به کار است، بیش از هزار زن را در روستاها آموزش داده تا صنایع دستی تولید کنند: «محصولات صادراتی زیادی که در روستاها تولید شده‌اند، با لغو پروازها در انبارها مانده است. نمایشگاه این محصولات در اسفندماه به دلیل شرایط و بسته‌بودن آسمان ایران برگزار نشد. بنابراین محصولات فروش نرفته است و ما درگیر بدهی هستیم. تسهیلات برای فعالان صنایع دستی کم کافی نیست و همه این عوامل فعالان این حوزه را در بحران قرار داده است».

کالای چینی جای صنایع دستی داخلی

ایین فعال حوزه صنایع دستی می‌گوید هزارو ۶۰۰ زن در روستاهای استان‌های مختلف با مجموعه آنها همکاری دارند: «این افراد اهالی روستاهایی در شرق اصفهان، جنوب کرمان و سیستان‌وبلوچستان هستند و در حال حاضر نمی‌دانیم پایه چه جویایی به آنها بدیستم. قسمت محصولات که در روستاها تولید شده‌اند، با وجود نداشتن قیوگ شرکت نمایند. بقیه سفارشاتنی که گرفته بودیم هم کنسل شده و این افراد در روستاها با بیکاری دست‌وپنجه نرم می‌کنند». هاشمی آنچه دیده را روایت می‌کند: «کارگاه‌های زیادی در این مدت تعطیل شده‌اند. وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری باید فکری برای این وضعیت بکند و تسهیلاتی را برای پرداخت بدهی کارگاه‌ها در نظر بگیرد تا این صنف سر پا بمان و علاوه بر آن،

www.SHARGHDAILY.IR

آگهی عمومی ارزبایی کیشی مناقصه گران

مناقصه عمومی یک مرحله ای شماره ۱۴۰۴/۷۹۵ م م ت

با شماره فراخوان ۲۰۰۵۰۹۳۵۶۷۰۰۰۳۳

گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار فراخوان در سامانه تاریخ ۱۴۰۵/۰۱/۰۰ می باشد.اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرآیند ارزبایی کیشی و ارسال دعوتنامه از طریق سامانه ستاد به مناقصه گران ارسال خواهد شد ؛ علاوه بر تولید کنندگان داخلی واجد شرایط. تأمین کنندگان کالای اصلی نیز می توانند بدیهمی است انتشار این آگهی صرفاً به منظور شناسایی و ارزبایی متقاضیان طبق قانون برگزاری مناقصات بوده و ارسال اسناد و مدارک فوق الذکر هیچگونه حقی برای متقاضیان در مقابل این شرکت ایجاد نمی‌کند. ضمناً هزینه درج آگهی بعهده برنده مناقصه است. متقاضیان در صورت داشتن هرگونه سوالی سی توانند با شماره تلفن های ذیل تماس بگیرند.
تلفن تدارکات و امور کالا: ۰۶۱۲۳۱۲۳۰۸۷
نمبر تدارکات و امور کالا: ۰۶۱۲۳۱۲۳۸۰۰۴۲۸۹۰۱۰۵
تلفن دفتر هماهنگی تهران: ۰۲۱۸۹۰۱۰۵
آدرس وب سایت: AOGC.IR
پست الکترونیکی: Tenders@aogc.ir

۱۷۵۲

شرق



تولیدکنندگان صنایع دستی معمولا شرکت‌های بزرگی نیستند و کارگاه‌های کوچکی دارند که تاکنون مواد اولیه را به صورت اعتباری تهیه می‌کردند اما امروز همه چیز به صورت نقد به آنها فروخته می‌شود و معمولا نقدینگی کافی برای تهیه مواد ندارند.»

فقط سه درصد تسهیلات گرفته‌اند

طبق اعلام بهروز ندایی، سرپرست معاونت صنایع دستی کشور، نزدیک به ۶۲۴ هزار نفر در حوزه صنایع دستی در کشور شاغل هستند. البته باید گفت این عدد فقط بیانگر آمار رسمی و افراد دارای مجوز از وزارت میراث فرهنگی است و افراد زیادی در این حوزه شاغل‌اند که در این آمار نیامده‌اند. طبق گفته ندایی، در سال گذشته حدود ۱۸ هزار نفر از فعالان صنایع دستی حدود دو ممیز سده‌هم همت تسهیلات با نرخ بهره چهار درصد دریافت کرده‌اند. بسا توجه به این آمار، اگر تعداد افرادی را که تسهیلات دریافت کرده‌اند تا تعداد کلی فعالان شاغل در این حوزه مقایسه کنیم، شاید علت نارضایتی فعالان صنایع دستی مشخص شود. مقایسه آمار حاکی از آن است که فقط نزدیک به سه درصد از افراد توانسته‌اند تسهیلات دریافت کنند. این در حالی است که جنگ و شرایط اقتصادی بسیاری از این هنرمندان را با مشکلات جدی مواجه کرده است. البته ندایی بر این نکته تأکید می‌کند که پیش‌بینی می‌شود در سال جاری مجموع اعتبارات استانی و ملی حوزه صنایع دستی به حدود ۱۲ همت برسد. در زمینه صادرات صنایع دستی هم طبق گفته این مقام مسئول، در ۱۰ماهه سال ۱۴۰۴ حدود ۱۶۳ میلیون دلار صادرات رسمی صنایع دستی به ثبت رسیده، اما به دلیل جنگ هنوز آمار پایان سال ۱۴۰۴ و ابتدای ۱۴۰۵ اعلام نشده است.

آمار دقیق بیکاری وجود ندارد

حسین خواجه‌بیدیختی، سرپرست دفتر حمایت‌از تولیدمعاونت صنایع دستی هم درباره وضعیت فعلی هنرمندان صنایع دستی به «شرق» می‌گوید: «آمار رسمی از بیکاری فعالان حوزه صنایع دستی و تعطیلی کارگاه‌ها در طول جنگ و پس از آن وجود ندارد. به طور کلی، آماري که ما از فعالان صنایع دستی داریم، مربوط به کسانی است که خودشان به ما مراجعه کرده‌اند و هیچ راهکاری به‌جز ابزار نمایشگاهی و تسهیلاتی وجود ندارد تا هنرمندان را به ثبت در وزارت میراث فرهنگی بکشیم». او در پاسخ به اینکه فعالان حوزه صنایع دستی نسبت به دریافت‌نکردن کمک‌های دولتی در شرایط فعلی گلایه دارند، توضیح می‌دهد: «شاید سکوت در این زمینه بهترین پاسخ باشد. ما مخاطب گسترده‌ای داریم. صنایع دستی برای تعدادی از آنها شغل تمام‌وقت است، اما برای عده زیادی هم شغل مکمل و کمک‌هزینه خانواده است. ما به‌وضوح می‌بینیم در مناطق روستایی یا عشایری یا خانواده‌هایی که تولید صنایع دستی وجود دارد، سطح زندگی از دیگر افراد در آن منطقه بالاتر است، چراکه یک درآمد مکمل وجود دارد. اگر مشکلات در حوزه صادرات حل شود، خیلی سریع تأثیر خود را در بخش تولید خواهد گذاشت».

بیدیختی ادامه می‌دهد: «قطعا نمی‌توانیم به بیکاری هنرمندان بی‌تفاوت باشیم. بگذارید مثالی بزنم. دو هفته پیش با یک تولیدکننده انگشترتقره در مشهد صحبت می‌کردم. او گفت مجبور است در اسنپ کار کند، در حالی که توان تولید دارد و مواد اولیه هم یافت می‌شود اما در جذب مشتری مشکل وجود دارد، چراکه قیمت زیورآلات تقره چند برابر شده و قیمت خرید مردم پایین است. امید این افراد به مسافران و زائران خارجی است که ارز برای خرید دارند. این افراد به امید چنین گردشگرانی فعالیت می‌کنند اما اکنون تغییر سلیقه داده‌اند و فقط با حل مشکل، به شغل اصلی خود برمی‌گردند.» به گفته او، مشکل عمده ما در حال حاضر در مورد صناعیی است که مواد اولیه آنها منشا خارجی دارد و وارداتی است. برای مثال چاق کلاف‌های باتیک، مصنوعات ابریشمی دشت مغان، پاپوش‌های سنتی کرمانشاه که ابریشم ماده اولیه غالب آن است. با توجه به شرایط کشور، تأمین ارز برای این محصولات دشوارتر هم خواهد شد و صنایع دستی با افزایش قیمت و رکود جدی مواجه می‌شود.

علاوه بر کارگاه‌های کوچک و بزرگ صنایع دستی و روستاییان، فرش دستباف هم به عنوان نوعی از صنایع دستی از چالش‌های ماه‌های گذشته در امان نمانده است. جواد کاظمی، نایب‌رئیس کمیسیون فرش، هنر و صنایع دستی اتاق بازرگانی ایران به «شرق» می‌گوید: «حدود ۸۰ درصد از مواد اولیه فرش دستباف ابریشم وارداتی است و بیشتر از چین و ازبکستان وارد می‌شود. نسبت به پیش از جنگ، نرخ ابریشم برای فرش دستباف تا حدود ۵۰ درصد گران شده، یعنی حتی بسیار بیشتر از قیمت ارز. دلیل این گرانی هم مشکلاتی است که بر سر ورود مواد اولیه به کشور وجود دارد. مشکلات در مسیرهای دریایی و همچنین سخت‌گیری‌ها در زمینه ثبت سفارشات این وضعیت را به وجود آورده است».

کاظمی درباره وضعیت فروش و صادرات، توضیح می‌دهد: اروپا، کشورهای حوزه خلیج فارس، ژاپن، چین و روسیه خریداران فرش ابریشم‌ایران بودند. بسیاری از این کشورها در طول جنگ از لیست صادرات فرش حذف شده‌اند. نمی‌توان درصد مشخصی برای میزان کاهش تعیین کرد اما از آنجا که فهرست کشورهای پذیرنده فرش ما محدود بود، قطعا کم‌شدن تعدادی از آنها بر درآمد کارگاه‌ها و تولیدکنندگان و بافندگان فرش اثر داشته است». او تأکید می‌کند: «آمار دقیقی نداریم اما با توجه به شرایط اقتصادی که پس از جنگ تحمیلی گریبان همه بخش‌های کشور را گرفته، به طور قطع تعدیل نیرو و کاهش تولید در کارگاه‌های فرش اتفاق افتاده است».

کالاها در انبارها دپو شده

آرش حیدریان، عضو کمیسیون صنایع دستی اتاق بازرگانی ایران است. او هم به «شرق» می‌گوید از این‌ماه سال گذشته نتوانسته‌اند سفارشات گرفته‌شده را ارسال کنند. «کالاها برای حمل‌ونقل به خارج از کشور آماده شده بود، اما تاکنون امکان ارسال آن را نداشته‌ایم، چراکه کشتیرانی بار را قبول نمی‌کنند. پروازها هم با اختلال روبه‌رو بود و در حالت کلی صادرات صنایع دستی به مشکل برخورد. وضعیت به‌گونه‌ای است که حتی به‌دنیال انباری برای دپوی محصولات، هستیم که تولید شده اما امکان ارسال نداشته‌است». آرش حیدریان ادامه می‌دهد: «تا پیش از این به تولیدکننده سفارش می‌دادیم و او مواد اولیه را تهیه و کالا را برای ما تولید می‌کرد، اما در حال حاضر وقتی سفارش تولید صنایع دستی را به کارگاه‌ها می‌دهیم، حتی مطمئن نیستیم او بتواند مواد اولیه لازم را تهیه کند یا اصلا برای سفارشات ما بازار فروش وجود داشته باشد یا خیر». او به تعدیل نیرو در کارگاه‌های تولید صنایع دستی اشاره می‌کند: «شاید بتوانم بگویم بسیاری از کارگاه‌ها حتی تا حدود یک‌پنجم میزان مجازی با قطع‌شدن اینترنت

آگهی فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله ای همراه با ارزبایی کیشی	شناسه آگهی ۲۱۹۹۵۷۵
مناقصه شماره WSS-۰۱۵۰۷۴۷	نوبت دوم
با شماره فراخوان ستاد ۲۰۰۵۰۱۰۳۴۰۰۰۰۲۱	نوبت دوم
شرکت نفت و گاز پارس در نظر دارد خرید ۷۵ قلم P/F MITSUBISHI DIESEL ENGINE مورد نیاز خود را با برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله‌ای طبق شرایط زیر از طریق یک شرکت واجد صلاحیت تأمین نماید.	
شرایط و مدارک لازم جهت دریافت استعلام ارزبایی کیشی:	
الف) داشتن تجربه کافی و مرتبط با موضوع کار	
ب) اساستنامه، اظهارنامه ثبت شرکت و آخرین آگهی تغییرات (مندرج در روزنامه رسمی) ج) ارائه کد اقتصادی، شناسه ملی از کلیه اشخاص واجد شرایط دعوت می‌گردد بلافاصله پس از چاپ آگهی اول و حداکثر ۳ (سه) روز پس از انتشار آگهی نوبت دوم تا پایان ساعت اداری، به نشانی اینترنتی www.setad.ir	
کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزبایی کیشی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت انجام خواهد شد.	
لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.	
اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرآیند ارزبایی کیشی و ارسال دعوتنامه از طریق سامانه ستاد به مناقصه‌گران ارسال خواهد شد.	
● عطف به شیوه‌نامه شماره ۵۲۴۶۹۱/۱۴۰۴ معاومت محترم مهندسی، پژوهش و فناوری وزارت نفت،در خصوص الزامات استفاده از فهرست بلند منابع واحد دستگاه مرکزی و ایستگاه‌های مرجه وزارت نفت، تأمین کالا و تجهیزات تخصصی مورد نیاز کلیه شرکتهای گستره شمول در کلیه سطوح و انواع روش های عملامتی و تأمین کالای انواع قراردادهای EP,EPD, EPC, P.C.P و سایر انواع قراردادهای فهرست بلند منتشر شده در سامانه "ستاد" (www.sahat.ir) با رعایت الزامات و ملازمات مربوطه صورت خواهد پذیرفت.	
● آخرین مهلت ارسال پاسخ استعلام ارزبایی کیشی: دو هفته پس از آخرین مهلت دریافت اسناد استعلام ارزبایی کیشی در سامانه مذکور بار گذاری نمایند.	
● تاریخ و محل تحویل اسناد مناقصه: متعاقبا به اطلاع واجدین شرایط خواهد رسید	
● آخرین مهلت تحویل پیشنهاد و تاریخ گذایش پیشنهادها: طبق تاریخ های مندرج در اسناد مناقصه.	
● لازم به ذکر است پیشنهادهای ارائه شده توسط مناقصه‌گران می‌بایست حداقل تا ۳ ماه از تاریخ تحویل پیشنهاد مالی معتبر باشد.	
در صورت نیاز به اطلاعات در خصوص پارگزارگی مستندات در سامانه ستاد، متقاضیان می‌توانند با شماره تلفن ۵ و ۰۲۱-۸۲۷۶۲۶۰۰ تماس حاصل نمایند.	
در صورت دریافت سوال در خصوص اسناد استعلام ارزبایی کیشی و نحوه تکمیل آن متقاضیان می‌توانند نسبت به ارسال نامه به شماره پیامبر ۰۲۱-۸۸۹۵۵۰۵۷ اقدام نمایند.	
● اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:	
مرکز تماس: ۰۲۱-۱۴۵۶	

شرکت نفت و گاز پارس
روابط عمومی

گزارش

بحران آب در ایران؛ هم‌زمانی فشار اقلیمی و ناترازی اقتصادی

در نشست تخصصی با عنوان «توسعه و امنیت آب؛ واکاوی ابعاد راهبردی انتقال آب دریا، سه رویکرد اقتصادی، اجرایی و اقلیمی در کنار هم قرار گرفت؛ رویکردهایی که هرچند از مسیرهای متفاوت سخن گفتند، اما در یک نقطه مشترک به هم رسیدند: تشدید بحران آب در ایران و ناتوانی راه‌حل‌های موجود در پاسخ به شکاف روبه‌گسترش میان منابع و مصارف. فضای بحث از ابتدا بر این نکته متمرکز بود که بحران آب دیگر صرفاً یک کمبود مقطعی یا منطقه‌ای نیست، بلکه نتیجه هم‌زمان چند روند بلندمدت در اقتصاد، اقلیم و الگوی توسعه است؛ روندهایی که به‌طور بی‌وسته یکدیگر را تشدید می‌کنند.

روایت اقتصادی؛ آب در مرز هزینه و بازده

در بخش نخست نشست، محمود اولاد با تمرکز بر منطق اقتصادی مدیریت آب، به پیچیدگی محاسبه قیمت تمام‌شده آب در پروژه‌های شیرین‌سازی و انتقال پرداخت. او توضیح داد که در چنین محاسباتی، مجموعه‌ای از متغیرها از جمله فناوری شیرین‌سازی، قیمت انرژی، شرایط توپوگرافی، ارتفاع پیماز و طول خطوط انتقال نقش تعیین‌کننده دارند و نمی‌توان آنها را ساده‌سازی کرد. به گفته او، حتی در سناریوهایی که از پیشرفته‌ترین فناوری‌های جهانی و کمینه هزینه‌های عملیاتی استفاده‌شده، فاصله‌گرفتن از سواحل و ورود به مناطق مرتفع، هزینه نهایی آب را به‌صورت تصاعدی افزایش می‌دهد. در این چارچوب، آب در سواحل ممکن است با هزینه نسبتاً پایین تولید شود، اما هرچه مسیر انتقال طولانی‌تر و اختلاف ارتفاع بیشتر شود، هزینه تمام‌شده چند برابر خواهد شد. اولاد همچنین با اشاره به تقسیم‌بندی مصرف آب در کشور، به تفاوت شدیدی بهره‌وری در بخش‌های مختلف اشاره کرد. او گفت که در مقایسه با استانداردهای جهانی، بازده اقتصادی مصرف آب در ایران پایین‌تر است و همین موضوع باعث می‌شود نسبت هزینه به ارزش‌افزوده در بسیاری از موارد نامتوازن باشد. او تأکید کرد که حتی با لحاظ یارانه‌ها، ملاحظات اجتماعی و آثار غیرمستقیم مانند امنیت و سلامت، در برخی سناریوها ادامه برخی الگوهای تأمین و مصرف آب از نظر اقتصادی با چالش جدی مواجه است و نیازمند بازنگری ساختاری است.

روایت اجرایی؛ گسترش زیرساخت‌ها و محدودیت‌های فن

در ادامه، علی حاجی مرادی با ارائه تصویری از وضعیت پروژه‌های شیرین‌سازی و انتقال آب در کشور، به گسترده‌گی این طرح‌ها از سواحل جنوبی تا تلات مرکزی اشاره کرد. او توضیح داد که در حال حاضر ده‌ها پروژه در قالب قراردادهای مختلف در حال اجرا یا بهره‌برداری است و بخشی از آب تولیدی در همان مناطق ساحلی مصرف می‌شود. او با اشاره به ظرفیت‌های تولید آب در سواحل، گفت که حجم قابل‌توجهی از آب پرتاب‌شده از طریق پروژه‌های مختلف در حال تأمین است، اما آنچه در سطح ملی اهمیت دارد، نحوه انتقال و توزیع این منابع است. حاجی‌مرادی با تشریح خطوط انتقال موجود و در دست اجرا، از مسیریهای سخن گفت که از خلیج فارس و دریای عمان به سمت استان‌های مرکزی و شرقی کشور امتداد یافته‌اند. این خطوط در برخی موارد صدها کیلومتر طول دارند و با عبور از مناطق کوهستانی و نیاز به ایستگاه‌های متعدد منجر شده، باعث قابل‌توجه هزینه مواجه می‌شوند. او تأکید کرد که در برخی پروژه‌ها، ارتفاع پیماز و طول مسیر به‌گونه‌ای است که هزینه نهایی آب را چند برابر قیمت تولید اولیه در سواحل افزایش می‌دهد. به همین دلیل، تحلیل این پروژه‌ها صرفاً با نگاه به هزینه تولید در ساحل، تصویر دقیقی از واقعیت اقتصادی ارائه نمی‌دهد. در بخش دیگری از سخنان او، به این نکته اشاره شد که توسعه این زیرساخت‌ها می‌تواند خود به شکل‌گیری تقاضای جدید در مناطق مقصد منجر شود؛ به‌گونه‌ای که دسترسی به آب، زمینه‌ساز ایجاد صنایع جدید و تغییر الگوهای توسعه‌ای در این مناطق می‌شود، موضوعی که بر پیچیدگی مدیریت منابع می‌افزاید.

روایت اقلیمی؛ فشار هم‌زمان گرمایش و کاهش منابع

احد وظیفه، رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشک‌سالی، تصویری از روندهای اقلیمی در ایران و جهان ارائه کرد. او با اشاره به افزایش دمای میانگین کره زمین در دهه‌های اخیر، تأکید کرد که تغییر اقلیم یکی از عوامل اصلی تشدید خشک‌سالی در مناطق مختلف جهان، به‌ویژه غرب آسیاست. او توضیح داد که گرمایش زمین تنها به افزایش دما محدود نمی‌شود، بلکه ساختار بارش، الگوهای جوی و مسیر سامانه‌های بارشی را نیز تحت تأثیر قرار داده است. به گفته او، جابه‌جایی جریان‌های جوی و تغییر مسیر سامانه‌های بارشی باعث شده برخی مناطق نسبت به گذشته سهم کمتری از بارش را دریافت کنند. وظیفه با اشاره به روندهای ثبت‌شده در دهه‌های اخیر گفت که بسیاری از نقاط، سال‌های بسیار گرم با شدت بیشتری تکرار شده‌اند و این موضوع به‌طور مستقیم بر افزایش تبخیر و کاهش منابع آب سطحی و زیرزمینی اثر گذاشته است. او همچنین تأکید کرد که تغییر اقلیم نه‌تنها منابع را محدود کرده، بلکه هم‌زمان نیا آب را نیز افزایش داده است؛ به‌ویژه در بخش کشاورزی که افزایش دما باعث رشد نیاز تجخیری گیاهان و افزایش مصرف آب شده است.



از آسمان سیاه تهران تا هزینه‌های پنهان کربن در گف‌ت‌و‌گو با محمدرضا حیدری، استاد دانشگاه نورث‌وسترن

هزینه پنهان یک انفجار

منصوره محمدی؛ انفجار انبار نفت‌ها و انتشار گسترده آلاینده‌ها در تهران، به گفته محمدرضا حیدری، استاد دانشگاه نورث‌وسترن آمریکا، فقط یک رخداد زیست‌محیطی لحظه‌ای نیست، بلکه می‌تواند در قالب «هزینه اجتماعی کربن» به عنوان یک شوک چندلایه از سلامت عمومی تا زیرساخت‌های شهری و مسیر توسعه پایدار بررسی شود. انفجار انبار نفت‌ها و سیاه‌شدن آسمان تهران، بختی تازه دربارۀ ابعاد پنهان بحران‌های زیست‌محیطی در شهرهای بزرگ به راه انداخته است. در گفت‌وگو با محمدرضا حیدری، استاد دانشگاه نورث‌وسترن آمریکا، این رخداد از زاویه‌ای فراتر از آلودگی لحظه‌ای و در چارچوب «هزینه اجتماعی کربن» بررسی می‌شود؛ چارچوبی که نشان می‌دهد چنین حوادثی چگونه می‌توانند در لایه‌های مختلف اقتصاد، سلامت و زیرساخت شهری اثرگذار باشند.

●●●

❗ انتشار نزدیک به یک میلیون تن دی‌اکسیدکربن در تهران، از منظر «هزینه اجتماعی کربن»؛ چه هزینه‌هایی فراتر از آلودگی هوا و بیماری‌های تنفسی به شهر تحمیل می‌کند؟

اولین نکته‌ای که باید به آن توجه کنیم خود همین عدد «یک میلیون تن» است. این یک میلیون تن دی‌اکسیدکربن را باید ببینیم مبنای علمی آن چیست؛ چه نهادی یا چه پژوهشگرانی آن را محاسبه کرده‌اند و محاسباتشان چه مفروضاتی داشته است. دقیقاً باید روشن شود چه چیزهایی در این برآورد لحاظ شده، چون وقتی دربارۀ اندازه‌گیری دی‌اکسیدکربن یا به‌طور کلی گازهای گلخانه‌ای صحبت می‌کنیم، این‌ اندازه‌گیری‌ها حالت‌های مختلفی دارند و بسته به شرایط و روش محاسبه، عدد و رقم‌ها می‌تواند بسیار جابه‌جا شود. معمولاً وقتی می‌خواهیم اثرات گازهای گلخانه‌ای را محاسبه کنیم، ردیای کربنی را به دو دسته تقسیم می‌کنیم؛ یک نوع ردیای کربنی مستقیم است و نوع دوم، ردیای کربنی پنهان یا غیرمستقیم؛ یعنی مواردی که به زنجیره‌های تأمین، زیرساخت‌ها یا حتی بازسازی‌ها مربوط می‌شود. مثلاً اگر برای یک فیسلیتی یا بخشی از صنعت اتفاقی افتاده باشد، بازسازی آن خود به‌تنهایی هزینه کربنی قابل توجهی دارد. بنابراین باید دید این عدد بر چه مبنایی محاسبه شده است، البته حدس و برآورد من این است که این عدد می‌تواند بسیار بیشتر از این هم باشد؛ یعنی فکر می‌کنم شاید یک میلیون تن، یک برآورد نسبتاً محافظه‌کارانه (کانسرواتیو) باشد و بسته به اینکه چه اثراتی را در نظر بگیریم، می‌تواند حتی تا ده‌ها میلیون تن هم افزایش پیدا کند. به عنوان مثال، اگر یک صنعت مورد حمله قرار گرفته و از بین رفته باشد، بازسازی آن صنعت خودش ردیای کربنی بسیار بزرگی دارد؛ علاوه بر آن، انتشار دی‌اکسیدکربن یا سایر گازهای گلخانه‌ای در لحظه انفجار یا حین عملیات نیز باید محاسبه شود. همچنین زنجیره‌ای تأمین مربوط به ساخت و بازسازی آن مجموعه صنعتی نیز قابل محاسبه است و باید در ارزیابی‌ها لحاظ شود. بنابراین اگر بخواهم خلاصه‌کنم، نکته اصلی این است که خود عدد یک میلیون تن محل سؤال است؛ باید دید مبنای علمی آن چیست، چگونه محاسبه شده و آیا ردیای کربنی مستقیم و غیرمستقیم را هم‌زمان در نظر گرفته یا نه. نکته دیگر این است که شما درباره «هزینه اجتماعی کربن» در کنار آلودگی هوا و بیماری‌های تنفسی پرسیده بودید. وقتی با چنین مشکلات محیط‌زیستی مواجه می‌شویم، بخشی از نگرانی‌ها فوری و لحظه‌ای هستند؛ مثلاً گازهای سمی که در لحظه وقوع حادثه منتشر می‌شوند، مانند موادی که در سازه‌ها، بالایشگاه‌ها یا انبارهای نفت نگهداری می‌شوند. این مواد می‌توانند شامل ترکیبات بسیار خطرناک و سرطان‌زا باشند؛ از جمله بنزن، تولوئن، اکسیدهای نیتروژن، ترکیبات گوگردی، سرب و بسیاری مواد خطرناک دیگر که به صورت آبی و لحظه‌ای اثر مخرب خود را بر افرادی که در

گزارش

حریم تهران؛ از کنترل‌گری تا پناهگاه تاب‌آوری در بحران

حریم تهران در سال‌های اخیر بیشتر با نگاه محدودکننده و کنترلی مدیریت شده است؛ اما در شرایطی که سناریوهای بحران‌های جنگی، زیرساختی و زیست‌محیطی بیش از گذشته مطرح می‌شود، نگاه به این پهنه جغرافیایی در حال تغییر است. در نشست تخصصی که با حضور پژوهشگران حوزه شهرسازی، جغرافیا و مدیریت شهری برگزار شد، حریم تهران نه یک محدوده حاشیه‌ای، بلکه به‌عنوان «پناهگاه اضطراری و ناحیه پشتیبان کلان‌شهر» بازتعریف شد. در این نشست، محمدامین خراسانی، دانشیار دانشگاه تهران، با اشاره به مجموعه‌ای از بحران‌های هم‌زمان شامل ژئوپلیتیک، فرونشست زمین و ضعف حکمرانی، تأکید کرد که حریم تهران از یک موضوع صرفاً شهری به یک مسئله امنیت ملی تبدیل شده است. به گفته او، این پهنه باید در سه سطح کلیدی شامل تأمین غذا، انرژی و اسکان اضطراری بازآرایی شود و برای این منظور ایجاد شبکه یکپارچه پشتیبانی و تقویت زنجیره‌های کوتاه تأمین ضروری است. او همچنین با انتقاد از وضعیت موجود مدیریت منابع آب گفت بخش عمده‌ای از آب تهران خارج از حریم تأمین می‌شود و این موضوع شکنندگی کلان‌شهر را افزایش داده است. خراسانی تشکیل ساختارهای فرایضی، از جمله سازوکارهای هماهنگ‌کننده در سطح حریم و نیز شناسنامه‌دار شدن منابعی مانند قنات‌و و آبخوان‌ها را از الزامات مدیریت آینده دانست. در بخش دیگری از نشست، معصومه قربانی، کارشناس معاونت عمران و توسعه امور شهری و روستایی وزارت کشور، با اشاره به تجربه بحران‌های گذشته، از جمله جنگ و زلزله، تأکید کرد که تخلیه‌های ناگهانی و بدون برنامه‌ریزی شهری، موجب اختلال در خدمات‌رسانی و سردرگمی جمعیتی می‌شود. او حریم تهران را به دلیل وجود اراضی باز، دسترسی به شبکه بزرگراهی و فاصله مناسب از مراکز پرتراکم، یکی از گزینه‌های اصلی اسکان اضطراری در شرایط بحران دانست. قربانی همچنین بر ضرورت تعیین نهاد متولی مشخص برای مدیریت حریم تأکید کرد و گفت نبود ساختار واحد تصمیم‌گیر در این حوزه، یکی از چالش‌های اصلی مدیریت شهری است. به گفته او، تدوین بانک اطلاعاتی اراضی مناسب اسکان اضطراری، تجهیز سایت‌های منتخب، طراحی سناریوهای تخلیه و ایجاد انبارهای منطقه‌ای از جمله اقدامات فوری در این حوزه است. مهران احسانی، پژوهشگر مطالعات شهرسازی و معماری مرکز هم در این نشست با اشاره به ماهیت بحران‌های کوتاه‌مدت، بر ضرورت تغییر الگوی تخلیه جمعیت تأکید کرد و گفت باید از تخلیه متمرکز و هیجانی به سمت «تخلیه شبکه‌ای» حرکت کرد. او ایجاد کیدورهای تخلیه، تأمین زیرساخت‌های موقت آب، برق و درمان سیار و تجهیز فضاهای عمومی برای اقامت کوتاه‌مدت را از الزامات مدیریت بحران دانست. احسانی همچنین تصریح کرد که حریم تهران باید به‌عنوان پناهگاه اضطراری فعال و محور جذب خدمات سریع عمل کند. به گفته او، تحقق این هدف مستلزم بین‌بشی پهنه‌های جذب اضطراری، تجهیز زیرساخت‌های موقت، طراحی مسیریهای تخلیه ایمن و ایجاد نظام فرماندهی چندسطحی است.

او تأکید کرد که حریم تهران در شرایط جنگی می‌تواند حلقه دوم تاب‌آوری کلان‌شهر باشد؛ اما تحقق این نقش، نیازمند عبور از نگاه صرفاً کنترلی و حرکت به سمت برنامه‌ریزی عملگردی و آینده‌نگر در این پهنه است.

<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>	<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>
<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>	<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>
<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>	<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>
<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>	<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>
<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>	<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>
<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>	<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>
<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>	<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>
<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>	<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>
<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>	<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>
<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>	<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>
<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>	<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>
<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>	<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>
<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>	<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>
<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>	<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>
<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>	<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>
<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>	<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>
<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>	<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>
<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>	<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>
<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>	<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>
<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>	<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>
<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>	<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>
<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>	<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>
<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>	<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>
<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>	<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>
<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>	<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>
<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>	<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>
<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>	<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>
<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>	<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>
<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>	<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>
<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>	<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>
<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی نفت ایران</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع پتروشیمی</div></div></div><div><div><div></div><div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div></div></div></div></div> <div>شرکت ملی صنایع مس ایران</div>	<div><div><div><div><div></div><div>شرکت ملی</div></div></div></div></div>

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن گویا: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • شماره ۸۵۴۰۵ صفحه ۸۸۹۲۵۴۶۷ تلفن آگهی‌ها: ۰۲۶۱۱۹۰۳۶۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۰۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: موسسه مطبوعاتی نشرگستر امروز نوین • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: مکتب

شترت

چهارشنبه ۲۰ خرداد ۱۴۰۵

۲۴ ذی‌الحجه ۱۴۴۷ • ۱۰ ژوئن ۲۰۲۶ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۴۰۵ صفحه ۸

اذان ظهرتهران ۱۲:۰۴ • اذان مغرب ۱۹:۴۱ • اذان صبح فردا ۲:۰۲ • طلوع آفتاب ۴:۴۸

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

روان‌خوانی

اضطراب بدن دردمی آورد

خیلی‌ها بعد از یک روز پراسترس، ناگهان متوجه می‌شوند کردن‌شان درد می‌کند، معده‌شان به‌هم‌ریخته یا شانه‌هایشان سفت شده است. بعضی‌ها هم هنگام اضطراب دچار سردرد، دل‌پیچه یا حتی درد قفسه سینه می‌شوند. برای سال‌ها تصور می‌شد این دردها «فقط عصبی» هستند، اما تحقیقات جدید نشان می‌دهد استرس واقعا می‌تواند واکنش‌های فیزیکی شدیدی در بدن ایجاد کند. پزشکان می‌گویند مغز و بدن بسیار بیشتر از چیزی که تصور می‌کنیم به هم متصل‌اند و فشار روانی می‌تواند مستقیم‌روی عضلات، دستگاه گوارش و حتی سیستم ایمنی اثر بگذارد. وقتی دچار اضطراب یا استرس می‌شود، مغز شرایط را به عنوان «خطر» تفسیر می‌کند. در نتیجه، سیستم عصبی سمپاتیک فعال می‌شود؛ همان سیستمی که مسئول واکنش «جنگ یا گریز» است. در این حالت، ضربان قلب بالا می‌رود، عضلات منقبض و هورمون‌هایی مثل کورتیزول و آدرنالین ترشح می‌شوند. این واکنش در کوتاه‌مدت طبیعی و حتی مفید است، اما اگر استرس مزمن شود، بدن فرصت بازگشت به حالت آرامش را از دست می‌دهد. در شرایط استرس، عضلات ناخودآگاه منقبض می‌شوند؛ به‌ویژه در گردن، شانه‌ها، فک و کمر. به همین دلیل، بسیاری از افراد مضطرب دچار گردن‌درد، سردرد تنشی، دندان‌قروچه یا گرفتگی عضلات می‌شوند. پزشکان می‌گویند بدن درواقع خودش را برای مقابله با «خطر» آماده می‌کند، حتی اگر آن خطر فقط یک فشار روانی با کاری باشد.

رونمایی



مراسم رونمایی از تازه‌ترین اثر پژوهشی فضل‌الله صلواتی، پژوهشگر برجسته تاریخ اسلام، با عنوان «ریاکاری‌های بنی‌عباس و شهادت امامان معصوم (ع)» با حضور و سخنرانی جمعی از استادان و پژوهشگران برجسته تاریخ در تالار «حکمت» مرکز همایش‌های سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران برگزار می‌شود. در این نشست که امروز چهارشنبه ۲۰ خرداد از ساعت ۱۷ تا ۱۹ برگزار خواهد شد، غلامرضا امیرخانی رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، عبدالمجید معادیخواه پژوهشگر تاریخ اسلام، رسول جعفریان رئیس کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و محمداقرا نصاری رئیس مؤسسه بوستان کتاب سخنرانی خواهند کرد.

اتفاق خوانی

هفتمین سال تأسیس آی‌قاصه برگزار می‌شود

به مناسبت هفتمین سالگرد تأسیس آی‌قاصه، هفتمین‌جامه‌چمن نشست از مجموعه شب‌های بخارا با عنوان «شب آی‌قاصه» روز پنجشنبه ۲۱ خرداد ۱۴۰۵ ساعت پنج بعدازظهر در سان خلیج فارس فرهنگسرای نیاوران برگزار می‌شود. آی‌قاصه فعالیت خود در هفت سال پیش با انتشار چند قصه صوتی رایگان آغاز کرد و اکنون در طول سال‌های فعالیت خود به مجموعه‌های گسترده از قصه‌های صوتی، کتاب‌های گویا، نمایش‌ها، موسیقی، دوره‌های آموزشی و برنامه‌های فرهنگی برای کودکان و خانواده‌ها تبدیل شده است. در این برنامه، جمعی از فعالان و چهره‌های حوزه فرهنگ و کودک درباره تجربه شکل‌گیری و توسعه آی‌قاصه، وضعیت تولید محتوای کودک در زبان فارسی، نقش قصه در زندگی کودکان امروز و چشم‌انداز آینده این حوزه سخن خواهند گفت. الهام پناه‌نژاد، فرزین فردیس، پوریا عالمی و علی دهباشی سخنرانان این نشست هستند. همچنین در بخش پایانی برنامه، موسیقی اختصاصی آی‌قاصه با آهنگسازی و سرپرستی نیوشا قربانی و نیلوفر قربانی و با همراهی امداد افشار اجرا خواهد شد.



«خفتگان نقش قالی دوش با من خلوتی کردند/ رنگشان پرواز کرده با گذشت سالیان دور/ و نگاه این یکیشان از نگاه آن دگر مهجور/ با من و دردی کهن تجدید عهد صحتی کردند». این ابیات بخشی از شعر «خفتگان»، سروده مهدی اخوان‌ثالث بود که نشانه‌ای از صورت خیالی فرش در نظم فارسی است. باتازبا فرش ایرانی در نثر فارسی را می‌توان در کتاب «بچه‌های قالیباف‌خانه» به قلم هوشنگ مرادی‌کرمانی یافت که به درد و رنج کودکانی که در دوران نوجوانی به کارگاه‌های تاریک و نمور قالیبافی کار می‌کنند، می‌پردازد. ۲۰ سال پیش به سفارش «مرکز ملی فرش ایران»، فیلمی با نام «فرش ایرانی» شامل ۱۵ بخش از ۱۵ کارگردان سرشناس سینمای ایران (بهرام بیضایی، داریوش مهرجویی، عباس کیارستمی و…) ساخته شد تا هنر هفتم هم دین خود را به این هنر/ صنعت ایرانی ادا کند. در این زمینه کتاب‌هایی چون «دایره‌المعارف فرش دستبافت ایرانی» که به کوشش دکتر حسین تجدد و با ویراستای و مقدمه پروفیسور سیدحسن امین منتشر شده نیز اطلاعات این اثر ملی را ثبت و ضبط کرده است. ۲۰ خرداد «روز ملی فرش»، بهانه این یادداشت شد.
دیر زمانی است که فرش، این میراث فرهنگی و محصول صادراتی ایران، بازار بین‌المللی را از دست داده است و کشورهای جنوب شرق آسیا مثل مالدیو، جای ما را گرفته‌اند. موضوع از زوایای مختلف قابلیت بررسی دارد، اما آنچه مدنظر است، ایجاد حقوقی ماجراست. روزگاری در شهرهایی مانند کرمان و کاشان، در هر خانه‌ای دار قالی وجود داشت که زن خانه در کنار امور روزمره، با گرزدن نخ یا-به زبان فرشیافان، خامه- بر تار و پود دار قالی، کمک‌خرج خانواده بود تا گرهی از مشکلات باز شود. نوعی کار در منزل که علاوه بر درآمدزایی، بانوی خانه در خانه می‌ماند و هم‌زمان به امور منزل و نگهداری از فرزندان می‌پرداخت. البته در بسیاری موارد به دلیل تهیدستی قالیبافان، تهیه مواد اولیه با سرمایه‌گذاری بود که در نهایت با استثمار افراد نیازمند، عمده سود فروش فرش را هم می‌برد.



وکیل دادگستری

کم‌کم کارگاه‌های قالیبافی سر پا شد که چند دار قالی در اتاقی قرار داشت و کارگران که بیشتر روزمزد بودند با چند ساعت حضور در این محل و چند نوبت کاری فرش را بافته یا به اصطلاح قالی را پابین می‌آوردند. در کتاب‌های «حقوق کار»، زمانی که به تاریخ تشکیل این شاخه اشاره می‌شود، به «فرمان والی ایالت کرمان و سیستان‌وبلوچستان درباره حمایت از کارگران کارگاه‌های قالیبافی» به تاریخ ۲۵ آذرماه ۱۳۰۲ به‌عنوان نخستین متن یک مقام دولتی درباره امور کارگر و کارفرما اشاره می‌شود. بر اساس بخشی از این فرمان: ساعات کار کارگران به هشت ساعت محدود شد، کارفرما حق گماشتن کودکان کمتر از هشت سال را برای کار نگذاشت، کارگاه نباید در زیرزمین و محل‌های فاقد نور و نمناک ایجاد شود و … متأسفانه تغییرات قانون کار در کشور ما گاهی به سوی کاهش حقوق کارگران حرکت کرده است؛ بهترین نمونه تصویب «قانون معافیت کارگاه‌ها و مشاغل دارای پنج نفر کارگر و کمتر از شمول قانون کار تا پایان برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» مصوب هشتم اسفندماه ۱۳۷۸ است که با توجه به تعداد محدود کارگران کارگاه‌های قالیبافی، بسیاری از این امکان از شمول قانون کار خارج شده‌اند.

دند دوم اصل ۴۳ «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» با بیان

تحلیل‌خوانی

معمای چرخه فرسودگی و بازگشت

رضایه‌رایی

چرا بسیاری از انسان‌هایی که روزگاری کنشگر سیاسی بوده‌اند، در ادامه به زندگی خصوصی عقب می‌نشینند؟ چرا جنبش‌های سیاسی-اجتماعی، پس از پیش‌روندگی پرشتاب، دچار فرسودگی ملموس می‌شوند؟ چرا مشارکت عمومی اغلب به دل‌زدگی ختم می‌شود؟ و چرا همان انسان‌ها، پس از مدتی، دوباره به عرصه عمومی بازمی‌گردند؟ در یادداشت پیش‌رو، بر آنم تا با نگاهی به کتاب «دگردیسی مشغولیت‌ها: نفع شخصی و کنش همدگانی» اثر آلبرت اوته هیرشمن، نظریه‌پرداز سیاسی و اقتصاددان آلمانی-آمریکایی، منطق پنهان پشت نوسانات سیاسی و اجتماعی را واکاوی کنم.
بسیاری از تحلیل‌گران و کنشگران سیاسی در مواجهه با سردشدن تنور مشارکت عمومی و پراکنده‌شدن کنشگران سیاسی، بی‌درنگ حکم به مرگ آگاهی، انفعال توده‌ها و پیروزی ابدی مروجان «مطلوبیت وضع موجود» می‌دهند. «آلبرت هیرشمن» اما در این کتاب، نگاه دیگری دارد. او می‌گوید آنچه از بیرون بی‌تفاوتی و عقب‌نشینی به نظر می‌رسد، اغلب یک فاز گریزناپذیر در چرخه‌ای بزرگ‌تر است که میان منفعت شخصی و کنش عمومی در نوسان است. فهم این نوسان، مرز میان کنشگری مقطعی و استراتژی ماندگار را روشن می‌کند. نخستین ضربه هیرشمن به پیش‌فرض‌های رایج، زیر سؤال بردن ثبات ترجیحات انسانی است. در مدل‌های کلاسیک جامعه‌شناسی و اقتصاد، انسان یا عنصری سیاسی مشارکت‌جو فرض می‌شود یا منفعت‌طلب منزوی. هیرشمن اما می‌گوید انسان مدرن موجودی است که مدام میان این دو قطب رفت و آمد می‌کند. او نه از قدرت همیشه‌ماندن در عرصه عمومی برخوردار است و نه به طور نامحدود در چنبره زندگی خصوصی و اتاق کار خود محصور می‌شود. هر یک از این‌دو قلمرو، پس از مدتی از رونق می‌افتد و بازدهی‌اش کاهش می‌یابد. از همین‌جاست که نگاه هیرشمن معنا پیدا می‌کند. جامعه به دم و بازدم نیاز دارد. کنش عمومی دم است و عقب‌نشینی به امر خصوصی بازدم. مسئله نه ماندن ابدی در خیابان است و نه اقامت دائمی در خانه، که توان تشخیص ریتم این رفت و برگشت است.
قلب نظریه هیرشمن، مفهومی ناامیدی است. برخلاف تصور معمول که «ناامیدی» را پایان راه می‌داند، او آن را موتور جابه‌جایی می‌بیند. وقتی انسان در مصرف، مال‌اندوزی و رفا شخصی غرق می‌شود، طبیعتاً به‌تدریج احساس پوچی و بی‌معنایی می‌کند. از این رو، منفعت خصوصی دیگر او را به تمامی ارضا نمی‌کند و عطش تغییر جهان پیرامون از رهگذر کنش جمعی در او بیدار می‌شود. این همان ناامیدی از امر خصوصی است. در سوی دیگر، هنگامی‌که انسان وارد سیاست می‌شود، با هزینه‌های سنگین، کندی تغییرات، فساد، رقابت و فرسودگی ناشی از کنش جمعی مواجه می‌شود. در اینجا

<div><div>۶۰</div><div><div>سال</div></div></div>	<div><div>۴</div><div><div>درصد</div></div></div>
<p>مشاهده و ثبت گونه بسیار کمیاب «آلاله سفید» در تالاب بین‌المللی گندمان در بروجن پس از ۶۰ سال رخ داده است و اعلام شده این اتفاق در پی احیای تالاب و شرایط جوی مناسب محقق شده است. در شهرستان بروجن شناسایی بیش از ۱۳۰ گونه گیاهی در تالاب بین‌المللی گندمان رخ داده است و گونه کمیاب «آلاله سفید» پس از شش دهه وقفه، مجدداً در این زیستگاه آبی مشاهده و ثبت شده است. این گیاه به‌دلیل خشک‌سالی‌های سال‌های گذشته و تغییر شرایط زیستگاهی در تالاب‌های استان از بین رفته بود؛ اما با احیای تالاب گندمان در سه سال اخیر و همچنین بارش‌های مناسب بهاری در سال جاری، این گونه از زرمشند دوباره در اکوسیستم منطقه ظاهر شده است.</p>	<p>بر اساس اطلاعات وال‌استریت‌ژورنال، اقتصاد کره شمالی در سال ۲۰۲۴ حدود چهار درصد رشد داشته که سریع‌ترین نرخ رشد در هشت سال اخیر محسوب می‌شود. این گزارش به وضعیت غیرمنتظره و عجیب اقتصاد کره شمالی در سایه جنگ اوکراین می‌پردازد. این کشور که تا چند سال پیش یکی از منزوی‌ترین اقتصادهای جهان محسوب می‌شد، اکنون با تکیه بر فروش تسلیحات به روسیه، همکاری‌های نظامی و دوزدن تحریم‌ها، وارد دوره‌ای از رشد و تحرک اقتصادی شده است. کره شمالی در یکی از غیرمنتظره‌ترین تغییرات اقتصادی سال‌های اخیر، از دل جنگ اوکراین به یک موفقیت اقتصادی غیرمنتظره رسیده است.</p>

آموزش‌خوانی

آموزش حضوری ضرورت است

مجید طهرانیان: دانش‌آموزان در ماه‌های گذشته بخش عمده‌ای از فرایند آموزشی خود را در فضای مجازی و در شرایطی نه‌چندان مطلوب از نظر کیفیت اینترنت، دسترسی به تجهیزات و پایداری زیرساخت‌ها پشت سر گذاشته‌اند. اکنون پس از بیش از چهار ماه آموزش غیرحضوری، بسیاری از دانش‌آموزان، خانواده‌ها و معلمان انتظار دارند که حداقل برنامه‌های تابستانی به صورت حضوری برگزار شود تا بخشی از کاستی‌های آموزشی و تربیتی این دوره جبران شود. واقعیت آن است که آموزش تنها انتقال محتوا و اطلاعات نیست. بخش مهمی از فرایند تربیت در تعاملات اجتماعی، حضور در جمع همسالان، ارتباط مستقیم با معلم، فعالیت‌های گروهی، ورزش، هنر، کارگاه‌های مهارتی و تجربه‌های عملی شکل می‌گیرد. اموری که هیچ بستر مجازی، هرچقدر پیشرفته باشد، قادر به جایگزینی کامل آن نیست.

در ماه‌های اخیر بسیاری از کارشناسان آموزشی نسبت به پیامدهای تداوم آموزش غیرحضوری هشدار داده‌اند. افت یادگیری، کاهش انگیزه تحصیلی، محدودشدن مهارت‌های ارتباطی، افزایش احساس انزوا، اضطراب، کاهش نشاط اجتماعی و افت فعالیت‌های بدنی از جمله پیامدهایی است که خانواده‌ها نیز آن را در رفتار فرزندان خود مشاهده کرده‌اند. به همین دلیل تابستان امسال می‌تواند فرصتی ارزشمند برای بازسازی بخشی از این آسیب‌ها باشد.

ویژگی مهم برنامه‌های تابستانی آن است که برخلاف برنامه رسمی سال تحصیلی، عمدتاً بر فعالیت‌های مهارتی، فرهنگی، هنری، ورزشی و عملی متمرکز هستند. کلاس‌های مهارت‌آموزی، فعالیت‌های کارگاهی، آموزش‌های فناوریانه، برنامه‌های هنری، ورزش‌های گروهی، اردوهای آموزشی و فعالیت‌های اجتماعی از جمله برنامه‌هایی هستند که ماهیت آنها بر حضور و تعامل مستقیم استوار است و در فضای مجازی کارایی و اثربخشی لازم را ندارند.

از سوی دیگر، اگر نگرانی از ازدحام یا فشار آموزشی وجود داشته باشد، برنامه‌های تابستانی ذاتاً اختیاری هستند و می‌توانند با رعایت ضوابط، ظرفیت‌بندی مناسب و مدیریت هوشمندانه اجرا شوند. بنابراین موضوع برگزاری حضوری برنامه‌های تابستانی با برگزاری عادی و کامل یک سال تحصیلی تفاوت ماهوی دارد و امکان مدیریت آن بسیار ساده‌ست. نکته مهم دیگر آن است که امروز تقریباً تمامی بخش‌های جامعه به شرایط عادی بازگشته‌اند. فعالیت مراکز تجاری، خدماتی، ورزشی، فرهنگی و بسیاری از مراکز آموزشی در حال انجام است و خانواده‌ها نیز در زندگی روزمره خود با شرایط عادی‌تری مواجه هستند. در چنین فضایی طبیعی است که این سؤال مطرح شود که چرا مهم‌ترین نهاد تربیتی کشور همچنان از ظرفیت آموزش حضوری تابستانی بهره نمی‌گیرد؟

بدون تردید آموزش و پرورش در تصمیم‌گیری‌های خود ملاحظات مختلفی را مدنظر قرار می‌دهد و حفظ سلامت دانش‌آموزان همواره اولویت نخست است. اما در کنار سلامت جسمی، نباید از سلامت روانی، اجتماعی و تربیتی دانش‌آموزان نیز غافل شد. نسلی که ما‌ها از فضای واقعی مدرسه دور بوده است، بیش از هر زمان دیگری به بازگشت تدریجی به محیط‌های آموزشی و تربیتی نیاز دارد. امروز مطالبه بسیاری از خانواده‌ها، معلمان و مدیران مدارس، آغاز آموزش حضوری تابستانی با رعایت کامل ضوابط و استانداردهای لازم است. این مطالبه نه از سر علاقه به افزایش ساعات آموزشی، بلکه با هدف جبران بخشی از فاصله ایجادشده میان دانش‌آموز و مدرسه مطرح می‌شود.

تابستان امسال می‌تواند فرصتی برای احیای نشاط دانش‌آموزی، تقویت مهارت‌های عملی، بازسازی روابط اجتماعی و جبران بخشی از عقب‌ماندگی‌های آموزشی و تربیتی باشد. شاید اکنون زمان آن رسیده باشد که مدرسه بار دیگر به کانون یادگیری، مهارت‌آموزی و نشاط دانش‌آموزان بازگردد و تابستان از یک دوره انتظار، به فرصتی برای رشد و شکوفایی نسل آینده تبدیل شود.